

# ما با آمریکا در جنگیم

با وحدت خلل ناپذیر خود زیر رهبری امام خمینی، ثابت کنیم که ما وارثان شایسته خون و پیام شهیدانیم

امام خمینی (خطاب به جمعیت هائی که در خواست تشکیل دادند مدارس باز شود):  
 «اگر راست میگویند که شما با ملت هستید و نسبت به خلق وفادار هستید، باید شما خودتان در این امر با ملت ایران همراهی کنید»  
 رئیس جمهوری: «مطلب آنست که دشمنان ما را استوار، نستوه و توانایانند»  
 نخست وزیر: «آماده برای بسط و گسترش انقلابان بشید»  
 حزب توده ایران: «مهلوفان! جز با یگانگی و اتحاد تمام نیروهای خلق نمی توان از عهده رویارویی با توطئه ها و دسیسه های رنگارنگ امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور پشتری عراق و همه دشمنان داخلی و خارجی»

پس از شکست کودتای ۲۸ تیرماه، خطوط اساسی نقشه آمریکا برای براندازی انقلاب جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: تشدید و گسترش جنگ ایفائی بوسیله رژیم مزدور پشی عراق، ایجاد یک منطقه ضدانقلابی در منطقه ای از نوار مرزی ایران، که از غرب کشور شروع میشود و از جنوب غربی جنوب گذشته تا بلوچستان امتداد دارد، گیل و جمیع نیروهای ضدانقلابی مسلح ایرانی، در این منطقه و اعلام یک حکومت «آزاد» در آن است که، این حکومت «آزاد» ابتدا از طرف دستیاران آمریکا - مصر و اسرائیل و عراق و ترکیه و عربستان سعودی و پاکستان و غیره و سپس از جانب آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی برپاست شناخته شود - با کمک تسلیحاتی و مالی آنها، و زیر چتر حمایت نظامی، سیاسی و اقتصادی آنها.

ما با آمریکا در جنگیم و رژیم مزدور پشتری عراق با حمله هوایی به فرودگاه های کشور ما و با گسترش دامنه جنگ در غرب و جنوب غربی کشور، جزئی از نقشه آمریکا را برای براندازی انقلاب جمهوری اسلامی ایران اجراء میکند ما با آمریکا در جنگیم و سخن امام خمینی در پیام بیروزسراحت دارد که «ایران در حال جنگ است با آمریکا» و لذا هر کس، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، بخواهد در شرایط حساس کنونی، به نحوی از انحاء شریک جرمی برای آمریکا بشود و یا جنگ تجارزی ایفائی عراق را جدا از نقشه آمریکا جلوه دهد، خواسته یا ناخواسته - در جهت منحرف ساختن ست اصلی نبرد - سر نوشتی است که ما با آمریکا درگیر آنیم، عمل کرده است.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۰  
 چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۵۹، شماره ۱۵۰۱۵۱

در تظاهرات عظیم به مناسبت آغاز سال تحصیلی، مردم شعار می دادند:

## مرگ بر شیطان بزرگ آمریکا آنکه مکیده خون ملت ما

قطعنامه کردهای: بکشیم تابا شکل خود در سر اسر کشور، هشت محکمی گردیم علیه امپریالیسم و عمال داخلی اش.

از آخرین توطئه آمریکا برده بر ما داشتند - تعطیل مدارس توسط آمریکا - بر بلاکارها نیز خواستهای خلق، در آفتاب خوش پاتیزی، سر درختید و به تاریخ سرده میشد: - مرگ بر امپریالیسم جهانی و آمریکا - رمز پیروزی ما وحدت است - امام خمینی - با رفتن به مدارس، هشت محکمی بردها را بختیار سازمان - های هر خط او خواهیم زد - ملاقاتی آموزان توسط تعطیل مدارس را، که راهگشای حاکمیت امپریالیسم آمریکاست، محکوم می نماییم - بر اساس گزارش خبرنگاران نامه «سرده» ساعت ۱۱ صبح، وقتی آخرین صفوف در امپریالیسم به دانشگاه تهران رسید، محوطه وسیع دانشگاه از دریای جمعیت غرق شده بود. علاوه بر زمین چمن و خیابانهای اطراف آن، خیابانهای ۱۶ آذر، قفس وسطی و سیسی از خیابان طالقانی از جمعیت موج پتیه در صفحه ۲

نسل جوان ایران، که در میان خون شیدان، از آزمون شکست انقلاب گذشته و دستگرهای خیابانی، زیر زنجیر تانکها و قتل عامها، دشمن خویش را شناخته است: نسل نوین ایران انقلابی است که در آوج خروش انقلاب، در کوره سوزان شور و خشم خلق آبدیده شده است: نسل تازه ایران، که بر لاله زار شیدان فریاد «مرگ بر شیطان» را با دهان پر خون خوانده و خود صدها هزاران گلبرگ نثار انقلاب کرده است، دیروز در رژیم بیخونی خود، باز دیگر نشان داد که دشمن اصلی خویش را می شناسد و تا نابود کردن آن از پای نمی نشیند. میلیونها دانش آموز ایرانی، که همراه پدران و مادران و ملطمان خود، دست در دست، زنجیر و ناکستی خلق را وحدت و استواری می بخشیدند، در روزی که ضدانقلاب تدارک حمله جدیدی را دیده بود، توطئه دشمن را با حضور خویش خنثی کردند. میلیونها ایرانی در ضربکوب پای خویش، در رژه های حماسی، که مبارز دیگر وحدت و خروش پیش از پیروزی انقلاب را در قلبها زنده می کرد، فریاد زدند:



مشق خویش را هنوز با خون شیدان رقم میزنیم با قلم بازوی دقتی، که زنجیر زنجیرهای تانک له شد  
 \*\*\*  
 بر اوراق کهنه تاریخ نوشتیم: - مرگ بر شیطان  
 \*\*\*  
 مشق امسال این است: - مرگ بر آمریکا  
 تاریخ را بگو تا فتح را فریاد کند

## ایجاد مانع در راه فعالیت قانونی و علنی حزب توده ایران بسود ضد انقلاب است

دینی اشغال «جامه» توسط عدای «اشخاص متفرقه» که نترشان بازداشت و تحویل زندان اوین شدند، دفتر «جامه» از سوی دادستان به کارکنان آن مسترد گردید. این اقدام درست، چندی سریع دادستانی مورد تأیید همه هواداران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از جمله حزب توده ایران واقع شد.

دینی اشغال «جامه» توسط عدای «اشخاص متفرقه» که نترشان بازداشت و تحویل زندان اوین شدند، دفتر «جامه» از سوی دادستان به کارکنان آن مسترد گردید. این اقدام درست، چندی سریع دادستانی مورد تأیید همه هواداران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از جمله حزب توده ایران واقع شد.

در این اشغال «جامه» عمل میکنند و یا فعالیتند چه باید بکنند که چهلتنه در هر حال درست بر خلاف روشهای سرچهره انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی است که سکر را گوشزد کرده اند: «در اسلام باید نظم مقرر باشد... باید بهمان طوری که قانون اساسی مقرر کرده است و ملت به آن رای داند است باید بهمان طور عمل شود و اسباب این نبود که هر طایفه ای خودش یک حکومتی داشته باشد و یک کارهای برخلاف مقررات بکنند» این اشخاص غیر مسئول، که خودشان را گروه مسلط می نامند، باید پیش از هر کس و پیش

**در صفحات بعد**  
 با ارائه کارنامه شورای انقلاب: صحت نظریات حزب توده ایران در باره ترکیب طبقاتی شورای انقلاب و دولت موقت ثابت شد  
 بهترین راه مبارزه با لیبرالیسم، اجرای پی گیر قانون اساسی جمهوری اسلامی از جمله در زمینه آزادیهای سیاسی و اجتماعی است  
 صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان در باره پاکسازی در آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی  
 صفحه ۸

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، نمایندگان تجاوز رژیم مزدور یعنی عراق به ایران را محکوم ساختند و آن را پویشی برای دخالت مستقیم آمریکا در ایران قلمداد کردند.

در آغاز این جلسه، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن تذکراتی در مورد وضع کنونی کشور، اظهار داشت: «از دیروز من به ستاد رهبری عملیات جنگ در غرب کشور رفتم. در آنجا شاهد تلاش صادقانه و فداکاری برادران ارتش و مسئولان نظامی، برادران پاسدار، برادران کشته و زاندارمری و شیربانی بودم.»

رئیس مجلس افزود: «برای ما و هر مسلمان رومی که بیست آمده باعث تأسف است، زیرا ما انتظار داشتیم که این امکانات نظامی ما و عراق در جبهه علیه صهیونیسم، اسرائیل غاصب، و برای نجات منطقه و علیه تجاوز غرب در فلسطین بکار رود. متأسفانه صدام حسین، خائن و بیسه تیسیر امام، صدام دیوانه، ننگداشت و مرتکب خیانت شد که مستقیماً به نفع امپریالیسم غرب و در خدمت اسرائیل و عمال آمریکا در منطقه است. هواپیماهای عراق اینک برای نجات از حمله هواپیماهای ایران به فرودگاههای اردن منتقل شده اند و در آنجا سیر آمریکا از اسرائیل با مقامات اردنی تماس گرفته و از آنها خواسته است که این هواپیماها را از سرانجام آن کشور هم بماند.»

**حجت الاسلام رفسنجانی گفت:** «دخالت‌های اسیر عراق فعلاً در حال بازجویی هستند که نتیجه آن بعداً به اطلاع ملت خواهد رسید. البته ما هیچوقت از دولت عراق انتظار نداشتیم که در برابر اسرائیل بیفتد و همیشه هم مانند منافقین دیگر برای جنگیدن در برابر اسرائیل شعارهای چپ‌روانه مطرح کرده است. به اسم اینکه ما مذاکره نمی‌کنیم و دیگران مذاکره می‌کنند، نیروهای خود و چند کشور دیگر را فلیج کرده است. ولی از اینکه همان نیروها در بیگاری یا ایران نابود شوند، متأسف نیست. ولی ملت عراق باید بداند که ما چنین چیزی را نمی‌خواهیم. این بیگاری به ما تحویل شده است و اینک چند نقطه در جنوب بغداد تحت بیابان هواپیماهای ایران قرار گرفته اند. لذا تذکراتی که لازم است از تریبون مجلس داده بشود یکی این است که، داخل کشور نیروهای ضدانقلاب مسکن است بخواهند از وضع موجود سوء استفاده کنند. شایعه پراکنی کنند که کردند، دیروز شایع کرده بودند که کودتای داخلی است تا مردم را به یادگاری بکشاند.

عده‌ای مائینها را بیرون کشیده اند و برای ترساندن مردم صف بزرگ تشکیل داده اند. در مقابل فروشگاه‌ها صف غذای دست کرده اند و در همین صف‌ها به مردم دروغ می‌گویند. من تأکید می‌کنم که این کارها و بیست از نیاز خریدن خود اعمال ضدانقلابی و کارهایی خلاف جهت مصلحت انقلاب هستند. اولاً مردم باید مطمئن باشند که عراق در آن وضعی نیست که بتواند ما را در شرایط بدی بگذارد. ثانیاً وقتی برادران شما در آنجا می‌جنگند، احتکار بنزین و سایر کالاها عمل ضدانقلابی است. مردم در نقاط مختلف کشور مشتاقانه آماده رفتن به جبهه هستند و در اینجا، در تهران، مردم خواستار صلح شدن هستند. آفتاب چند ضدانقلابی، محترک صف درست می‌کنند و در برابر انقلاب می‌ایستند. مردم خود باید جواب این افراد بدهند.»

پس از پایان سخنان رئیس مجلس، حجت الاسلام خانه‌ای، نماینده مجلس و عضو شورایی دفاع، پشت میکروفون قرار گرفت و ضمن سخنانی درباره حمله هوایی عراق به ایران اظهار داشت:

«از صبح سه فروردین یک عراقی سرنگون شده است. یکی از این میگها قصد حمله به خارک را داشته است و دیگری در ساعت ۲ صبح به شهر اهواز، پایگاه همدان و فرود سوم هم به فرودگاه سنجند حمله کرده بود. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از صبح در حدود ۱۵ مرتبه نظامی در عراق را کوبیده است، از جمله جنوب بغداد و شهر موصل. تعداد هواپیماهای ایرانی ۱۴۰ فروند بوده است و هواپیماها تقریباً همگی به سلامت برگشتند و از چند فروند اطلاعاتی در دست نیست، که تعداد آنها زیاد نیست. حملات زمینی از دیشب ادامه دارد و صبح نیروهای خودی تسلحه را باز پس گرفتند و آنها را عقب راندند. ۳ میگ صالح آباد را کوبیده، ولی خسارات مهم نیست. ایلام آرام است. دیروز (پنجشنبه) مجموعاً ده میگ عراقی سرنگون شد و یک فروند ما در اثر تصادف آسیب دید و برنگشت. مجموعاً از نظر زمینی وضع خوب و از نظر هوایی وضع عالی است. ضمناً ۴ فروند ناوچه موشک‌انداز عراق غرق شدند.»

پس از گزارش حجت الاسلام خانه‌ای، چند تن از نمایندگان در همین زمینه سخن گفتند. فخرالدین حجاری در این مورد اظهار داشت:

سخنی دارم یا کوه، توالدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد که گفته است: ایران آتش‌بس بدهد. ما از وی سؤال می‌کنیم: در طی این یک سال و نیم که عراق به ما ضرباتی زده است، ایشان سخن نگفته اند، و الا آن که قدرت ما را احساس می‌کنند، پیشنهاد آتش‌بس می‌دهند. بنابراین ما به ایشان اعلام می‌کنیم که ما هرگز آتش‌بس نمی‌دهیم و ارتش نیرومند و سپاه پاسداران ما و نیروی بسیج مستضعفین آماده شرکت در این نبرد هستند، تنها قدرتمندترین ضربه را بر عراق تجاوز وارد کنند. ضمناً آقای کورتوالدهایم باید یک یادداشتی هم به دولت امریکا بدهد، چون این امریکا است که دارد زیر پوشش دولت عراق مستقیماً با ما می‌جنگد. وسعت حمله عراق، به دستور آمریکا به ایران، بدان جهت است که وضع

### در جلسه علنی دیروز مجلس:

● نیروهای عراقی پیشتر اولان ارتش امریکا هستند

● امریکازیر پوشش عراق مستقیماً با ما می‌جنگد

● حمله صدام حسین به ایران مستقیماً به نفع امریکا و در خدمت اسرائیل است

● ضد انقلاب با ایجاد صف‌های مختلف قصد سوء استفاده از شرایط را دارد

● دنیا باید بداند که امریکای جنایتکار چه کرده است

● عراقی باید به ایران غرامت جنگی بدهد

● امریکانمی تواند تعهد بدهد که کاری نکند، زیرا ماهیتش تجاوزگری و خونخواری است



### مجلس

«آمریکا طبل میان تنی است و هیچ غلطی نمیتواند بکند.»

وی افزود: «من عیقا اعتقاد دارم که این مجلس، ضد امریکائی است و ضد اجنبی، ضد بیگانه است، ضد امریالیسم است. بنابراین من معتقدم این مجلس، شعار مرگ بر آمریکا جزو ماهیتش و اعتقادش است. به این جهت پیشنهاد میکنم همینطوری که ما می‌گوییم الله اکبر، چنین رهبر، به معنای اینکه رهبری را در سطح جهان برای مستضعفین تجسم عینی می‌دهیم، در دستور هم آمریکا را، که به تیسیر امام و خود برادران، دشمن اصلی همه خلقتا ذکر شده، اینرا هم تجسم عینی بدهیم و مرگ بر آمریکا هم گفته بشود. اما موضوعی که در مورد گروگانها مطرح است. اولین نکته اینست که تا حالا حتما دوستان و برادران و خواهرانی که در رابطه با تحلیل‌های جامعه ایران بودند، اطلاع دارند که معمولاً تحلیل‌هایی که می‌شد این بود که رهبری انقلاب اسلامی ایران ظرفیت و توان مبارزه ضد امپریالیسم را ندارد و این توان را ندارد نه مبارزه علیه آمریکا و امریالیسم را بطور عام ادامه دهد. بعد این تحلیل نفی شد یک عده ایشان به این نتیجه رسیدند که مآخلاقاً اشتباه می‌کردیم. امام می‌تواند ضد امپریالیسم بماند و ما دیدیم که امام چطور این مبارزه را تا حالا رهبری کردند. نکته حساسی که می‌خواهم تأکید کنم اینست که بعد از ریتام، بیشتر از ریتام، ایران و انقلاب اسلامی ایران حیثیت آمریکا را به خطر انداخته است. حیثیت فدائیتش را، یعنی چهره منافق گونه آمریکا را به جهانیان نشان داده است.»

نایب افزود: «من سبباً جاسوسها را یک مسئله از دل جریان تاریخ می‌بینم. یعنی من امروز اینجور می‌بینم که ابراهیم در برابر آتش قرار گرفته، در برابر نمرود است، من امروز موسی را در برابر فرعون می‌بینم و عیسی را در برابر امپراطوری روم قسطنطنیه و امروز من می‌بینم اگر ما در برابر اشراف مکه می‌بینیم... و الا من دقیقاً معتقدم این فرزند موحیدین تاریخ است، یعنی امام عیسی است.»

**مجلسی گفت:** «آمریکا میخواهد از صدور انقلاب ایران جلوگیری کند. آمریکا میخواهد بگوید این امام هم سازش‌ناپذیر نیست. آمریکا میخواهد بگوید ملت ایران هم دهنریاد می‌کشد من با تو تا آخر عمر به رهبری امام عیسی می‌جنگم، نمی‌تواند جلو من بایستد. امریکا می‌خواهد ثابت کند که اوست که شکست‌ناپذیر است. او میخواهد با این کار خودش در واقع در استحکام موضع ملت ایران و رهبری ایران از نظر خودش و بهزم خودش شکاف وارد کند. و بدینا بگوید، اینها مجبور شدند زیر محاصره من تسلیم شوند... این بزرگترین توطئه است که مانع از صدور انقلاب ایران خواهد شد. اگر آمریکا میخواهد تهدید کند که درامز داخلی ایران دخالت نکند، هر چند اولاً خوب گفتند تهدید که نمیتواند بکند، او ماهیتش تجاوزگری و خونخواری است. ثانیاً اگر این تهدید را کرد، شما می‌دیدید؟ شما می‌دیدید که در ترکیه کودتا بکند؟ در فلسطین برادران و خواهران ما را بمباران بکند؟ در ظفاره، در افغانستان، در پاکستان، در هر گوشه جهان بیاید جنایت بکند و به ما تهدید بدهد کاری نکند؟ آیا این غیر از این است که بزرگترین تهدید را که ما بخواهیم قبول کنیم، که مانع از صدور انقلاب ایران باشد، یله من یک تهدید از امریکا قبول می‌کنم، با این که میدانم به آن عمل نمی‌کنند؟ تمام نیروهای را از خلیج فارس بیرون ببرد، تمام توطئه‌هایی که علیه برادران فلسطینی ما در منطقه بوسیله فرزند نامشروع اسرائیل می‌کند همه آن توطئه‌ها را خنثی کند، در ترکیه از کودتاچیان ضدانقلاب حمایت نکند. در پاکستان از آن حکومت عمرو عیسی پاکستان حمایت نکند. در مصر تمام دست‌نشاندها را بیرون کند...»

**نایب گفت:** «امروز همه می‌گویند برای آمریکا جاسوسانست مهم نیست، این روشن است. این ملت‌مثل یک پشه روی دماغ این بیرون نیست است، هر نیش می‌زند. این بیرون بره‌ش آمده، تهدید چه کند؟ و این همان است که امام گفت: آمریکا طبل میان تنی است. محمدی افزود: «عراق هم به این جهت روی مافشار می‌آورد که بر این مجلس روز پنجمه سائلی گفتند که درود بر این برادران و این مجلس که آن فشار بوجود آوردند. آمریکا احساس کرد که این مجلس، مجلس سازش نیست و به همین جهت است که دارد بیشتر فشار می‌آورد. و اما نکته مهم بعدی اینست که دو گونه برخورد با مسائل جاسوسها می‌شود کرد: یک برخورد اینجاست که ما بگوییم زیر فشاریم، همانها هم که دلایل موافقتین می‌آورد. و اما نکته مهم بعدی اینست که دو گونه برخورد با مسائل جاسوسها می‌شود کرد: یک برخورد اینجاست که ما بگوییم زیر فشاریم، همانها هم که دلایل موافقتین می‌آورد. و اما نکته مهم بعدی اینست که دو گونه برخورد با مسائل جاسوسها می‌شود کرد: یک برخورد اینجاست که ما بگوییم زیر فشاریم، همانها هم که دلایل موافقتین می‌آورد.»

وی افزود: «این جنگی که دولت عراق علیه ملت‌های مسلمان ایران و عراق شروع کرده، استفاده مستقیم آن به دولت پویشی اسرائیل میرسد، که با فرسوده کردن ارتش عراق، راه نفوذ و گسترش خود را در جنوب لبنان و کشورهای عربی می‌گشاید. ولی ما همان‌طور که به صدام حسین نشان خواهیم داد، به خودکامگان اسرائیل و سردمداران ترویس نشان خواهیم داد که نمیتوانند ارتش ما را با فرسایش از بین ببرند و در منطقه برای مدت طولانی نفس راحت بکشند.»

وی در قسمتی دیگر از سخنانش به مبارزات مردم عراق علیه رژیم بعثی این کشور اشاره کرد و از جمله گفت: «ما پشتیبان همه گروه‌های رزمنده در عراق هستیم و با همه امکانات آنها را کمک و یاری می‌کنیم.»

سخنران بعدی، لطیف صفری نیز ضمن برشماری نکاتی از تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران، به مبارزات مردم عراق اشاره کرد و گفت:

«حکومت عراق روزهای آخرش را می‌گذراند و در خرابی‌هایی که ما می‌رسد، مردم عراق از ظلم و جور و نامصلحانی این نوکران امریالیسم به ستوه آمده اند. آنکه طرح دو فریضی در مورد حذف مالیات حقوق ارتبیبان مطرح شد. درباره «دوفوریتی» بودن این طرح، دوتن از نمایندگان به موافقت و مخالفت سخن گفتند و سپس مطابق نتیجه رای گیری، قید «دوفوریتی» این طرح به تصویب رسید.»

سپس پیشنهاد گروهی از نمایندگان که خواستار حضور دانشجویان مسلمان بیرون خط امام در جلسات علنی مجلس، به منظور دقتیتر بودن انتخاب اعضای کمیسیون ویژه، شده بودند، قرائت شد. این پیشنهاد پس از رای گیری، رد شد.

آنکه بحث پیرامون کلیات مسئله جاسوسان امریکائی، که از جلسه قبل آغاز شده بود، ادامه پیدا کرد. پروشی، نماینده اصفهان، اولین نایب، در این مورد گفت:

«من سخن را بایک جمله از سفر کرده شروع میکنم: «اگر آمریکا دست‌گلی به تو هدیه کرد، مواظب باشی که با احتمال زیاد در دین آن بعضی کار گذاشته است.» شاید با همین جمله خط‌سختن من روشن شود.»

وی سپس دلایل کسانی را که خواهان آزادی گروگانها و نیز کسانی را که خواهان س که مجازات جاسوسان امریکائی هستند، برشمرد.

سخنران بعدی، محمد محمدی، نماینده گرگان، گفت:

شود و در نقاط مختلف آوزیرهای ضد هوایی نصب کنیم. ما باید خود را برای یک مقاومت طولانی آماده کنیم تا دیگر امریالیسم طمع نکند و بداند این سرزمین، سرزمین مبارزان است.»

وی آنکه ضمن رد آتش‌بس، خواستار خروج عراق از نقاط اشغالی و پرداخت غرامت جنگی به ایران شد. سخنران بعدی اسداله عالی پور، نماینده ایلام، از جمله گفت:

«نیروهای عراق بیشتر اولان ارتش آمریکا هستند که تمایز ارضی ما را مورد تهدید قرار داده اند، کسانی که در داخل به تفرقه افکنی مشغول هستند، جرمشان کمتر از تجاوزین عراقی نیست.»

محمودی، نماینده هرسیرین، نیز در سخنان خود، ضمن اشاره به روحیه قوی نیروهای ایرانی که با تجاوزین عراقی می‌جنگند، گفت:

«مرزداران ما می‌گویند: عراق مزدور امریکاست و چون از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام عیسی وحشت دارد، با تمام کشورهای رنج‌بر و وابسته منطقه توافق کرده و به ما تجاوز می‌کند. ولی مطمئناً هرگز نخواهد توانست کاری بکند.»

**حجت الاسلام خلغالی** نماینده سردم قم نیز در سخنان خود ضمن اشاره به تجاوز نیروهای بعثی عراق به خاک ایران گفت:

«دولت پویشی عراق، صدام حسین نوکر خائن و خود فروخته با یک حرکت ناخردانه و تقریباً بیجهت می‌خواهد قدرتی نشان بدهد. ولی سپاه ما و ارتش ما، زاندارمری ما و بسیج ما آماده اند که دشمن را در خانه خود، در بغدادش و در موصل و در کرکوکش بکوبند و به آنها درس بدهند تا عبرت تجاوز کاران آینده منطقه باشند.»

وی افزود: «این جنگی که دولت عراق علیه ملت‌های مسلمان ایران و عراق شروع کرده، استفاده مستقیم آن به دولت پویشی اسرائیل میرسد، که با فرسوده کردن ارتش عراق، راه نفوذ و گسترش خود را در جنوب لبنان و کشورهای عربی می‌گشاید. ولی ما همان‌طور که به صدام حسین نشان خواهیم داد، به خودکامگان اسرائیل و سردمداران ترویس نشان خواهیم داد که نمیتوانند ارتش ما را با فرسایش از بین ببرند و در منطقه برای مدت طولانی نفس راحت بکشند.»

وی در قسمتی دیگر از سخنانش به مبارزات مردم عراق علیه رژیم بعثی این کشور اشاره کرد و از جمله گفت: «ما پشتیبان همه گروه‌های رزمنده در عراق هستیم و با همه امکانات آنها را کمک و یاری می‌کنیم.»

سخنران بعدی، لطیف صفری نیز ضمن برشماری نکاتی از تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران، به مبارزات مردم عراق اشاره کرد و گفت:

«حکومت عراق روزهای آخرش را می‌گذراند و در خرابی‌هایی که ما می‌رسد، مردم عراق از ظلم و جور و نامصلحانی این نوکران امریالیسم به ستوه آمده اند. آنکه طرح دو فریضی در مورد حذف مالیات حقوق ارتبیبان مطرح شد. درباره «دوفوریتی» بودن این طرح، دوتن از نمایندگان به موافقت و مخالفت سخن گفتند و سپس مطابق نتیجه رای گیری، قید «دوفوریتی» این طرح به تصویب رسید.»

سپس پیشنهاد گروهی از نمایندگان که خواستار حضور دانشجویان مسلمان بیرون خط امام در جلسات علنی مجلس، به منظور دقتیتر بودن انتخاب اعضای کمیسیون ویژه، شده بودند، قرائت شد. این پیشنهاد پس از رای گیری، رد شد.

آنکه بحث پیرامون کلیات مسئله جاسوسان امریکائی، که از جلسه قبل آغاز شده بود، ادامه پیدا کرد. پروشی، نماینده اصفهان، اولین نایب، در این مورد گفت:

«من سخن را بایک جمله از سفر کرده شروع میکنم: «اگر آمریکا دست‌گلی به تو هدیه کرد، مواظب باشی که با احتمال زیاد در دین آن بعضی کار گذاشته است.» شاید با همین جمله خط‌سختن من روشن شود.»

وی سپس دلایل کسانی را که خواهان آزادی گروگانها و نیز کسانی را که خواهان س که مجازات جاسوسان امریکائی هستند، برشمرد.

سخنران بعدی، محمد محمدی، نماینده گرگان، گفت:

اربابی بوجود آورد و ما را در آن جو مجبور کند که به نفع او درباره گروگانها تصمیم بگیریم.»

وی آنکه پیشنهاد کرد که مجلس بررسی وضع گروگانها را مسکوت نگذارد تا آمریکا بداند که مجلس شورای اسلامی هیچگاه تحت تاثیر ارباب قرار نمی‌گیرد. در اینجاست که از نمایندگان به مسکوت گذاشتن وضع گروگانها اعتراض کردند، که مجازی توضیح داد:

«مسئله مسکوت گذاشتن به عنوان حل کردن بود، نه به عنوان اینکه محاکمه نتواند. ما باید جاسوسان امریکائی را به عنوان خود دولت تجاوز امریکا مورد محاکمه قرار بدهیم، تا دنیا بداند که امریکا چه کرده است. امریکا دولت جنایتکاری است که طی ۳۰ سال ۲۱۵ کودتا در دنیا راه انداخته است، پس ما باید دنیا را به جنایات امریکا آگاه کنیم.»

وی افزود: «سخنی هم داریم با دنیا. چرا دنیا ساکت نشسته است که به یک کشور این چنین حمله شود؟ ملتی که قیام کرد و هزاران محرومیت و درد را از استثمار غرب طی ۴۰۰ سال تحمل شده و اکنون برخاسته است، چرا باید مورد تهاجم قرار گیرد و سازمان ملل سخن نکند و جلسه شورای امنیت تشکیل نشود؟»

حجتی گرهائی نماینده دیگر مجلس ضمن سخنانی از جمله اظهار داشت:

«تمام نمایندگان ملت در مجلس حاضرند و به مرز بروند و با ضدانقلاب بجنگند. ضدانقلاب مطمئن باشند که شکست با اوست.»

خانم اعظم طالقانی سخنران بعدی، از جمله گفت: «بیشتر کسانی که از عراق به ما پنهانده شده اند، می‌گویند عراق بیشتر اطلاعات را از رادیو و تلویزیون ما می‌گیرد.»

وی افزود: «من نسبت به ارتش یک احساس بدینی داشتم، ولی در غرب دیدم که آنها با شور و شوق و با اعتقاد و ایمان، که فکر نمی‌کردم در وجودشان باشد، آماده مبارزه بودند.»

در اینجا و پیشتر آنکه سخنران بعدی صحبت کند، اعلام شد که سه میگ دیگر عراقی در زقزول افتاده است. آنکه تلگراسی که عده‌ای از نمایندگان خطاب به رهبر انقلاب، امام عیسی، تهیه کرده بودند، قرائت شد. در این تلگرام ضمن تبریک به مناسبت مبارزه دلیرانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران و سایر نیروهای انتظامی، از امام عیسی، به عنوان فرمانده کل قوا تشکر به عمل آمده است.

**موسوی بجنوردی**، نماینده تهران، سخنران بعدی بود. وی از جمله گفت:

«ملت قهرمان ایران میدانند که ما وقتی تصمیم گرفتیم نظام شاهنشاهی را ویران کنیم و بساط آنان را برچینیم، با امریالیسم، بویژه امریالیسم آمریکا درگیر خواهیم شد. این درگیری مراحلی داشته است. من امروز از این مرحله تازه، که آغاز مبارزات مسلحانه ما علیه امریالیسم است، صحبت می‌کنم. امروز آمریکا بضوان گارد محافظ امریالیسم غرب، پیشقراولان خود را برای آزموون جنگی ما بسیج کرده است، با آن نیروهای مزدور صدام حسین. بنابراین بر ماست که آنچنان بجنگیم که با امریکا طرف هستیم. و این جنگ را مرحله نخستین آن بدانیم که خود را آماده کنیم برای جنگهای بزرگتر، وسیعتر و طولانی‌تر.»

وی افزود: «لازمست بگویم که امریالیسم فسرپ همیشه برای برهم زدن وحدت ملت‌های به ضعف کشیده شده، استخوان‌های لای زخم می‌گذارد. عناصری و گروه‌های و گروه‌های که عامل تفرقه هستند، حتی اگر چه با شمارهای فریبنده چپ‌گرا - و حزب بخت عراق - از آن دست است در برابر حرکت ضد امپریالیستی ناصر، حزب بعث عراق بوجود آمد و مخصوصاً خانواده انگلیسی صفت کرسی، که سابقه تاریخی در نوکری انگلیس دارند، این خانواده کثیف رهبری این حزب را صرفاً برای ایجاد مرقه بین برادران مسلمان برعهده گرفت و امروز از باب جدیدی برای خود گزیده است، که آن امریکاست.»

وی سپس تأکید کرد که همیشه پیوند استراتژیک بین آمریکا و انگلیس وجود داشته است.

**موسوی بجنوردی** آنکه پیشنهاد کرد که برای تقویت بسیج مستضعفین، هر چه زودتر بودجه آن در حد معمول تصویب گردد و سازماندهی جدیدی شود. او افزود: «در تمام محلات باید پایگاه‌های ضد هوایی ساخته

شود و در نقاط مختلف آوزیرهای ضد هوایی نصب کنیم. ما باید خود را برای یک مقاومت طولانی آماده کنیم تا دیگر امریالیسم طمع نکند و بداند این سرزمین، سرزمین مبارزان است.»

وی آنکه ضمن رد آتش‌بس، خواستار خروج عراق از نقاط اشغالی و پرداخت غرامت جنگی به ایران شد. سخنران بعدی اسداله عالی پور، نماینده ایلام، از جمله گفت:

«نیروهای عراق بیشتر اولان ارتش آمریکا هستند که تمایز ارضی ما را مورد تهدید قرار داده اند، کسانی که در داخل به تفرقه افکنی مشغول هستند، جرمشان کمتر از تجاوزین عراقی نیست.»

محمودی، نماینده هرسیرین، نیز در سخنان خود، ضمن اشاره به روحیه قوی نیروهای ایرانی که با تجاوزین عراقی می‌جنگند، گفت:

«مرزداران ما می‌گویند: عراق مزدور امریکاست و چون از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام عیسی وحشت دارد، با تمام کشورهای رنج‌بر و وابسته منطقه توافق کرده و به ما تجاوز می‌کند. ولی مطمئناً هرگز نخواهد توانست کاری بکند.»

**حجت الاسلام خلغالی** نماینده سردم قم نیز در سخنان خود ضمن اشاره به تجاوز نیروهای بعثی عراق به خاک ایران گفت:

«دولت پویشی عراق، صدام حسین نوکر خائن و خود فروخته با یک حرکت ناخردانه و تقریباً بیجهت می‌خواهد قدرتی نشان بدهد. ولی سپاه ما و ارتش ما، زاندارمری ما و بسیج ما آماده اند که دشمن را در خانه خود، در بغدادش و در موصل و در کرکوکش بکوبند و به آنها درس بدهند تا عبرت تجاوز کاران آینده منطقه باشند.»

بارگاه کارنامه شورای انقلاب:

صحت نظریات حزب توده ایران درباره ترکیب طبقاتی شورای انقلاب و دولت موقت ثابت شد

با پایان رسمی کار شورای انقلاب و ارائه کارنامه این شورا، کمپین از پیروزی انقلاب تشکیل و با استقرار دولت آقای رجایی به کار خود پایان داد. یکبار دیگر صحت نظریات حزب توده ایران اثبات شد.

سخنان حجت الاسلام دکتر باهنر، که از آغاز تشکیل شورای انقلاب تا آخرین روز در آن عضویت داشت، نشان داد که حزب توده ایران از همان آغاز پیروزی انقلاب، ماهیت طبقاتی دولت موقت و شورای انقلاب را به درستی تشخیص داده بود.

اکنون کمپین از روی دادهای پشت پرده ماههای اخیر قبل از پیروزی انقلاب غارروسی شده روشن گردیده است که وقتی حضور توده‌های میلیونی در میدان نبرد با رژیم شاه امریکاتریدنی باقی نگذاشت که، عمر رژیم شاهنشاهی در ایران به پایان رسیده است، تلاش برای تصرف ماشین دولتی رژیم گذشته به همان شکل آغاز شد.

پیروزی شورای انقلاب، که تا چند ماه پیش از انقلاب در اعلامیه‌های رسمی خود خواهان حفظ "شروطه سلطنتی" بود، با امریکایی‌ها برای تصرف ماشین دولتی بمقامه توافق رسید. این واقعیت را سولویان، سفیر سابق امریکا در ایران اخیراً "اعتراف کرده است."

از سوی دیگر شورای انقلاب، که موافق گفته حجت الاسلام دکتر باهنر، از روحانی تشکیل شده بود و مستقیماً زیر نظر امام خمینی فعالیت می‌کرد و در مجموع نماینده دموکراسی انقلابی بود، با اعلام تشکیل این شورا توسط امام خمینی، به عنوان یک ارگان رسمی برخاسته از انقلاب به کار پرداخت.

بعد از بازگشت امام خمینی به وطن، از آنجا که روحانیون انقلابی سابقه‌ای در اداره امور کشور نداشتند و تشکیل دولت جدید ضرورت عوری داشت، مهندس بازرگان به نخست‌وزیری منصوب شد. امام خمینی با حسن نیت انقلابی، تمام دولت را به کسی سپردند که هر چند سابقه مبارزه با رژیم گذشته

را داشت و مسلمان معتقدی بود، ولی از پایگاه سازشکارانه و تسلیم طلبانه پیروزی لیبرال حرکت می‌کرد.

بعد از تشکیل دولت مهندس بازرگان، که در مجموع نماینده پیروزی لیبرال بود و جاسوسان امریکایی هم، از قیل امیران نظام، در آن خود را جای داده بودند، ژنرال هومیزر که می‌پنداشت با تشکیل این دولت خطری امریکایی را تهدید نمی‌کند، از ایران رفت. انقلاب شکوهمند بهمن، به معنای حفظ ارتش به شکل آرمی مهربی لطمه جدی زد، ولی دولت پیروزی لیبرال موفق شد که از تلاشی دستگاه دولتی سابق جلوگیری کند.

بعد از پیروزی انقلاب، اکثریت شورای انقلاب موافق گفته حجت الاسلام باهنر از روحانی تشکیل می‌شد که در مجموع نماینده دموکراسی انقلابی بود و در کل در خط امام خمینی حرکت می‌کرد. جناح دیگر شورای انقلاب را لیبرال‌ها تشکیل می‌دادند. همه این‌ها که با هم شرمندیم و امروز روشن شده است، تا یکی دو ماه اخیر به هیچ‌روی روشن نبود، تا چه رسد به معنی‌های اول بعد از پیروزی انقلاب.

افشای پیروزی لیبرال

در حالی که چپ‌ها با جنجال هیئت‌ها که را یک پارچه می‌دانستند و علیه آن توطئه را آغاز می‌کردند، برخی از مدعیان دواتش "مارکسیسم-لنینیسم خلاق" (پارلمان چریک‌های فدائیان آرزوی) بعد نبال پیروزی لیبرال رفتند، برای شکر زدند و حواس‌تار جمع قدرت در دست لیبرال‌ها شدند.

حزب توده ایران با تحلیل و شناخت عمیق سیاسی که هر یک از جناح اعلام و در پیاده کردن آن اصرار می‌کردند، از همان اولین شماره علنی

روزنامه مردم، به روشنی تمام به افشای سیاست پیروزی لیبرال و دفاع از مواضع مترقی شورای انقلاب نسبت به دولت موقت پرداخت. روزنامه مردم در اولین شماره علنی، خود در ایران ۲۸ خرداد ۱۳۵۷ - در مقاله مفصلی تحت عنوان "مسائل انقلاب ایران - نظری بی‌بیمار آقای مهندس بازرگان"، مسئله بر سر تفاوت عظیمی است که میان آقای مهندس بازرگان و توده مردم ایران بر سر درک ماهیت و وظائف دولت موقت انقلابی وجود دارد.

مقاله سپس به قدرت دوگانه اشاره کرده، می‌نویسد: "در محتوی و نه در شکل، حق به جانب آیت‌الله خمینی است و نه مهندس بازرگان". مقاله آنگاه به افشای زاویه دید طبقاتی مهندس بازرگان می‌پردازد.

در شماره پنجم مردم - ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ - افشای ادامه می‌یابد: "اندیشه اصلی پیام رادیویی نخست‌وزیر، که مانند خط سرخی از خلال تمام بیانات طولانی او می‌گذشت، این بود که بقایای رژیم سابق را نباید کوبید".

در این روزها، دیگر تفاوت دو سیاست آتکار و آتکار ترمی شد. دولت پیروزی لیبرال، تمام قدرت حاکم را طلب می‌کرد و در حالی که زیر بمبارک "آزادی" سنگر گرفته بود، حفظ ماشین دولتی رژیم گذشته، بازگرداندن سرمایه‌داران و آتشی با امریکایی‌ها را تبلیغ نمود. همه مدعیان دواتش "مارکسیسم-لنینیسم خلاق" در این روزها زیر بمبارک "آزادی" بودند و تعطیل روزنامه‌های ضد انقلابی را به راه می‌بردند.

در آن شرایط فرنج، باز هم حزب توده ایران بود که با صراحت تمام به میدان آمد و برای اولین بار اختلاف دو خطی در حاکمیت ایران را در مقاله‌ای با عنوان "لیبرالیسم و دموکراسی در مرحله کنونی انقلاب ایران" ارزیابی و تحلیل کرد. حزب توده ایران در میان جنجال گوشه‌گراش ماشو-شیست‌ها، چپ‌ها و چپ‌روها اعلام داشت که، از دموکراسی انقلابی دفاع می‌کند.

خوانندگان را به مقاله یاد شده و همچنین سرمقاله تحت عنوان "جبهه‌ها آتکار ترمی شود"، در روز ۱۷ خرداد ۱۳۵۸، رجوع می‌دهیم. از این پس آن چه در افق سیاست ایران گذشت، صحت نظریات حزب توده ایران را هر روز بیشتر از پیش ثابت کرد.

حجت الاسلام باهنر در سخنان خود نیز به طور رسمی اعلام کرد که، شورای انقلاب و دولت موقت در همه زمینه‌های اساسی، از جمله نوسازی ماشین دولتی، سیاست خارجی، نهادهای انقلابی و... با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. دویچه در شورای انقلاب اکنون به جرئت می‌توان گفت که پیروزی

لیبرال وقتی دید در مقابل انقلاب قادر به مقاومت نیست و دولت تاجار با استعالت، کوشید که موقعت خود را در شورای انقلاب مستحکم کند. بهمن خاطر - موافق گفته حجت الاسلام باهنر - مهندس بازرگان به پیشنهاد اقدام دولت و شش‌سوی انقلاب را کرده به این ترتیب نمر اردولت، از جمله خود مهندس بازرگان، به شورای انقلاب اضافه شدند و در نتیجه پیروزی لیبرال در شورای انقلاب موقعت مستحکم تری نسبت به گذشته به دست آورد.

سرانجام انحال لانه جاسوسی، که به گفته حجت الاسلام باهنر، "مقاومتی در مقابل سیاست‌های خارجی دولت موقت" بود، سبب شد که دولت پیروزی لیبرال استعفا کند.

بعد از استعفا دولت موقت و سپردن ادار امور به شورای انقلاب، پیروزی لیبرال در این شورا به تلاش خود برای ترمز کردن انقلاب ادامه داد. بررسی کارنامه شورای انقلاب نشان می‌دهد که، اکثریت مطلق موضع گیری‌ها و سیاست‌های مترقی شورای انقلاب، به در زمینه داخلی و چه در سیاست خارجی، بهیچ‌اند اقدام شورا با دولت موقت اتخاذ شده است، هر چند که بعد از این هم، به نسبت قدرت نمایندگان دموکراسی انقلابی در شورای انقلاب، این شورا موفق به مخدوماتی به انقلاب ایران نشده است.

تا این ذکر است که حزب توده ایران در همین پشتیبانی از جناح دموکراسی انقلابی در شورای انقلاب و تأیید تصمیمات انقلابی شورای انقلاب، به محتاج دموکراسی انقلابی (اکثریت) در شورای انقلاب نیز برخاسته است. انتقادی داشت. انتقاد حزب توده ایران به محتاج انقلابی (اکثریت) در شورای انقلاب این بود و هست که، اولاً سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه حجت الاسلام باهنر را به مردم ایران فاش نکند. ثانیاً در برابر سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه جناح لیبرال به موقع و به طور قاطع نایستاد. ثالثاً در مواردی تحت فشار این جناح و تحت تاثیر این جناح با اتخاذ مواضع نادرست و تصمیمات نادرست تن ندراد.

اگر این نقائص و ناهنجاری‌ها و کمبودها در سیاست و روش جناح دموکراسی انقلابی (اکثریت) در شورای انقلاب وجود نمی‌داشت، و به سخن دیگر، اگر مدارا و مساوات و اتحاد در برابر جناح لیبرال انجام نمی‌گرفت، و مدعات و لطافت سنگین و گناه جبران‌ناپذیری که بر اثر سیاست‌های سازشکارانه و تسلیم طلبانه لیبرال‌ها بر انقلاب ایران وارد آمد، با اصلاً نبود، با کم بود.

در این بررسی، آن چه که به عنوان درسی از تجربه شورای انقلاب برای انقلاب باقی می‌ماند اینست که در دفاع از دستاوردهای انقلاب، در مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب، می‌باید تا به آخر انقلاب بود. حزب توده ایران خرشد است که در ارزیابی انتقادی و سازنده خود از سیاست‌ها و تصمیمات شورای انقلاب و دولت موقت محق بوده است.

واژه آزادی، در دست لیبرالها افزاری است برای بازگشت گذشته

بهترین راه مبارزه با لیبرالیسم، اجراء پی گیر قانون اساسی جمهوری اسلامی از جمله در زمینه آزادیهای سیاسی و اجتماعی است

این نقش فرهشی را بازی میکنند. سراب آزادی درست میکنند، تا جا ده استبداد کوفته شود.

در خارج از کشور، تا بیور بختیار، که از سلاله کهن چاکران امپریالیسم است، از "سوسال دموکراسی" دم می‌زنند. ولی شخص با بدنا مینا با شد در پس این چهره‌ها، قیافه کریه و بیسی و پالیزبان و امثال آنها را شینند.

رفران دوم اخیر فاشیت‌ها در شیلی، کودتای اخیر نظامیان در ترکیه، حکومت فاشیستی نظامی ضیاالحق در پاکستان، همه و همه روایتگر آنست که در پیشرفت دکوراسیون حق به جانب لیبرال‌ها، ما که بصورت پیرو مردان دیندار بی‌آزار و بی‌جوانان کارشناسی متجدد جلو می‌کنند، چه واقعتاً و حشمتانکی نهفته است: امپریالیسم برای کشورها بی‌مانند کشورما، فقط یک رژیم را کار و شمر بخت میداند و آنهم رژیم دیکتاتوری خونین نظامی است. یکی از دلایل "شکراب" میان بختیار و او بیسی گویا همین است که او بیسی لاقل برای دوسال اول (!) به یک حکومت خشن نظامی، که زمینه را برای کار هموار کند، معتقد است. تا بعد "سوسال دموکراسی" (!) بیاید. البته اینهم یک جنگ زرگری بیش نیست تا برای همه "قدا انقلابیون غذای "منوی" مناسی روی میز باشد.

ولی اگر توطئه "غدا انقلابی" موقش شود با اصلاح سوسال دموکراسی و حکومت پارلمانی و دموکراسی هرگز سرکار نخواهد آمد. خود بختیار هم آتراً نمیخواهد. لیبرال‌های ما هم مانند دوران محمدرضا شاه، در موقوع خود، سکوت خوانندگردد دنبال کسب و کار خواهند رفت. اگر خیلی دلخور باشند، می‌روند در خارج و در آنجا یکی دو مقاله‌ای در جرایده محترم لیبرالی ما مانند "لوموند" خواهند نگاشت و شکوه سرخواهند کرد و بیسی، و سپس بدنبال کسب و کار خواهند رفت. و در اینجا او بیسی جلد، به سمت هزاری که می‌مد

یکی از واژه‌هایی که طی تاریخ بارها مورد سو استفاده قرار گرفته است، واژه "آزادی" است. این واژه مرکزی و محسوری امپریالیسم، علیه سوسیالیسم است. تمام رساله‌های گروهی امپریالیستی (که عرض و طوطی عجیب و غریب دارند و اکثراً تحت نظارت مهبونیت‌ها هستند) در همسرایی جهانی خودنغمه "آزادی" سوا داده اند. یعنی آزادی برای ما و گویبی‌های مختلف بخاطر حفظ آزادی برای بهره‌کشی و آزادی استعمار! لیبرال‌های وطنی ما نیز به این واژه پناه برده اند. آنها گویا علیه "انحمار-گریبی" و "فالانزیسم آخوندی" و بخاطر "آزادی" مبارزه میکنند. در داخل کشور بیسی چنین دعوی میکنند و در دیوهای آریستوکراسی (که برای بختیار و او بیسی تبلیغ میکنند) نیز چنین میگویند. و اما چقدر شخ باید نادان باشد، تا با این لالی‌های مضحک گوشتی، فرادهد و نیت باطنی و پنهانی آتراً، که چندان پنهان هم نیست، درک نکند.

اینکه آیا کسی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران هستند که نسبت به آزادیهای سیاسی و اجتماعی (که در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده) آزادی ندارند و معتقد به حکومت انحصاری خود هستند، خود مطلب دیگری است. ولی وجود این واقعیت، اطلاعاتی را به معنای صحت و بی صداقت دعوی لیبرال‌ها در تهران و "سوسال دموکراسی" بختیار و گرا در خارج از ایران نیست.

تجربه شیلی نشان داد که بیسی از حربه‌های امپریالیسم برای سرکوب انقلاب شیلی و سرنگون ساختن حکومت آلینده، استفاده از حزب دموکرات مسیسی آقای فرهشی و خرابکاری‌های او علیه حکومت آلینده بنام "آزادی" از سوی و نیز استفاده از گروه‌های ما و راه چپ (که از سازشکاری و فرصت طلبی و "عدم قاطعیت" رژیم آلینده در نبرد علیه سرمایه داری می‌نالندند!) از سوی دیگر بود.

فرهشی به مردم وعده میداد که باید از "دیکتاتوری ما رکیبست‌ها" به رژیم آزادیهای پارلمانی با رگشت، ولی در پشت سر اینان قیافه کریه بیینوته فاشیست پنهان بود.

فرهشی بنام "آزادی" مردم را بیدار کشید و تحویل بیینوته داد و هنوز هم در خارج از شیلی از آزادی دم می‌زند! حال لیبرال‌های خود ما که همه نوع خیرات و مبررات (از بدبنداری گرفته تا ملی‌گرایی و آزادیخواهی) را در نشان خود دارند،

امیران نظام دیده‌ایم و سنجیده‌ایم. لیبرال‌ها و آن نسخه بدل‌های تازه‌ای که از آنها میدان آمده، در سیاست داخلی جا ده کوب او بیسی، مدافع سرمایه داری، تکلیه گاه ضد کمونیسم و در سیاست خارجی دستار مخلص صدیق امپریالیسم هستند. ما حکم در باره افراد نمی‌کنیم. عناصرا ولی قریب خورده در همه جا وجود دارند. ولی این مطلب، منظره و خصیصه اجتماع بیسی که گروه و رده سیاسی را عوض نمی‌کند.

اساس، ممیزات و مشخصات عمده سیاسی - اجتماعی لیبرال‌هاست و این بهمان نحو است که گفته شد. این مرد در تاریخ معاصر ایران از دهه نوزدهم شروع مبتدو و جلوه‌های مکرر در مکرر داشته است.

بهترین شیوه مبارزه با لیبرال‌ها، بویژه از طرف نیروهای بی که قدرت خاکمه را اکنون در دست دارند، آنست که به آنها پناه ندهند. اگر قرا ربا شدر چندی بیکار اکتفی متفرقه "آزادی‌ها" به پنهانی یک کشور بزرگ ۳۶ میلیونی مانند ایران، همه جا مراکز حزب، سازمانها و گروه‌های سیاسی و جراید و کتابخانه‌ها و کپیو شکی آنها را، با خونت اشغال کند، غارت کند، به آتش بکشد، آیا این آب ریختن در آسباب لیبرال‌ها نیست؟ چه تضمینی وجود دارد که این "اشخاص متفرقه" بدستورند انقلاب برای موقعت توطئه "قدا انقلاب زمینه سازی نمی‌کنند؟

با پیدا رعایت اکید و دقیق اصول قانون اساسی در باره آزادیهای سیاسی و اجتماعی و ایجاد وضع تثبیت شده‌ای از این سیاست، با ب رخنه لیبرالیسم وطنی و سوسال - دموکراسی وارداتی را بست و در این امر غفلت و تردید و تاخیر را جایز نشمرند. اگر جمهوری اسلامی در اجراء استقلال، عدالت اجتماعی، آزادیهای سیاسی و اجتماعی پیگیر باشد، میتوان لیبرالیسم را در کالبدهای مختلف آن به تکمیل معنوی محکوم سازد. میتوان نظام محکمی بوجود آورد و دفاع خود را در مقابل خدا انقلاب تحکیم بخشد، و سرانجام میتوان ندهشتیانی مردم و نیروهای انقلابی را برای امر سازندگی بیش از پیش جلب کند.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

### رانندگان تاکسی خرم آباد: تعویض رنگ تاکسی درمان درد ما نیست!



ناصر: ما نمی‌توانیم، نه بازنشستی و نه کار ثابت و درآمد مشخص

مشکل تاکسیرانی یکی از مسائل عمده‌ای است که در شهر خرم آباد وجود دارد. این شهر، حدود ۲۰۰ تاکسی دارد، که با توجه به جمعیت شهر، قادر به تأمین نیاز زرفت و آمد در سطح شهر نیست. بدلیل کمبود تاکسی و با توجه به وجود تعداد دریا دیکاران در سطح شهر، حدود ۱۰۰ وسیله نقلیه دیگر هم وجود دارد، که با پلاک سفید به کار می‌پردازند. در میان آنها سوارهایی که به رنگ تاکسی (آبی رنگ) درآمده‌اند، برای رانندگان تاکسی ایجاد مشکل می‌کنند، زیرا مردم، بدون توجه به غیر مجاز بودن آنها، سوار این ماشینها می‌شوند و اگر مسئله‌ای مانند شکم شدن وسایل یا مسائل اخلاقی پیش بیاید، به حساب تاکسیرانان گذاشته می‌شود. در ارتباط با این مسئله مشکلات دیگر رانندگان تاکسی، با چند تن از آنان به گفتگو می‌نشینیم:

محمد می‌گوید:

"این تاکسی راماهی ۴۰۰۰ تومان اجاره کرده‌ام. خرج تعمیر و خرید وسایل بدکی هم به عهده خودم است. با اینکه حدود ۱۰ سال است که راننده هستم، هنوز نتوانسته‌ام یک تاکسی بخرم، زیرا با درد آمدی که من دارم و با این خرج زیاد، چیزی برای پس انداز کردن نمی‌ماند".

راجع به تغییر رنگ تاکسی‌ها می‌پرسم:

چون تعدادی سوار "پلاک سفید" به رنگ تاکسی در شهر ما فرکشی می‌کنند، اداره راهنمایی و رانندگی در جلساتی به رانندگان پیشنهاد تغییر رنگ تاکسیها را برای جادادن از این اتوموبیلها داد که عده زیادی با این پیشنهاد مخالفت کردند و عده‌ای هم موافقت حالانی دانم چطور شد که این مسئله مورد قبول واقع شد، قرار شد که رنگ تاکسیها به رنگ نارنجی درآید و به ما اعلام شده است که تاکسیها را رنگ بزنیم. ولی به نظر من تعویض رنگ تاکسی درمان درد ما نیست،

چرا که سال گذشته هم به خاطر همین مسئله سقف تاکسی‌ها را سفید کردیم، ولی مشکل حل نشد. تازه شایع است که بعضی با این خرج و درآمدها لایباید مبلغی هم خرج تعویض رنگ تاکسی بکنم و می‌دانم که با مشکل حل نخواهد شد. ما باید با هم اتحاد داشته باشیم، تا بتوانیم با یک مقدار کار بیشتر، مردم را راضی کنیم. آنها نیازی به استفاده از این سوارها نداشته باشند".

یکی دیگر از رانندگان تاکسی می‌گوید:

"آقا کارگر نمی‌آید، بگذار آنها هم کار میکنند، ما که کار خودمان را داریم و نمی‌خواهیم باعث قطع نان دیگران بشویم. بهتر است به جای اینکه ما هر روز رنگ عوض کنیم به آنها هم پلاک فرم بدهند، تا هم حمل و نقل مسافران در شهر بهتر صورت گیرد و هم کار آنها غیر مجاز نباشد".

ناصر، با بدنی عرق کرده و خسته از کار، می‌گوید:

"حدود ۴ سال است که راننده تاکسی هستم و همیشه مسائلی از قبیل ترافیک و کمبود وسیله وسواریهای "پلاک سفید" وجود داشته. این مسائل زودگذر هستند مسئله اصلی ما، مخصوصاً رانندگانی که روز مزد هستند، این است که ما سهمیه داریم، نه بازنشستی و نه کار ثابت و درآمد مشخص".

می‌پرسم: آیا تاکنون در جهت رفع این مشکلات قدمی برداشته‌اند؟ می‌گوید:

"سال گذشته چندین گرد همایی با دیگر رانندگان داشتیم و در آن گردهم‌آیی‌ها راجع به بیمه وسندیکا و ترافیک و همین مشکل سا فرکشی‌های شخصی صحبت‌ها می‌کردیم و قطعاً ما هم مادر کردیم و با ادارات مربوطه هم تماس گرفتیم، ولی چون اتحاد نداشتیم، نتوانستیم کارها را تا آخر پیش ببریم و کارها نیمه تمام ماند".

یکی از وظایف مسئولین امور، تأمین بیمه و بازنشستی این صنف از زحمتکشان است، تا هر کدام از آنان بیمه برتوان و مبلغی صدیق به نفع انقلاب باشند.

### اخبار کارگری

#### شرکت صنایع کرمانشاهان را بحال خود رها نکنید

شرکت صنایع کج کرمانشاهان (سها می عام) در سال ۱۳۵۷ با سرمایه مدو هشتاد میلیون ریال جهت تأسیس کارخانه کج در منطقه قمرشیرین شروع به کار کرد. همه ماشین آلات کارخانه از یک شرکت در آلمان فدرال خریداری شده است و برای خرید آنها مبلغ هنگفتی از بانک - اعتبارات صنعتی - که خود یکی از سهامداران شرکت است - وام گرفته شده است. کار ساختن کارخانه، به علت مواجه شدن با انقلاب، تعطیل شد. پس از پیروزی انقلاب در زمان دولت نوقی، این شرکت ملی شد. در اردیبهشت ماه ۵۹ از طرف بانک صنعت و معدن یک نفر به عنوان مدیرییت شرکت به کارگمارده شد. چون معادن کج قمرشیرین بسیار محدود بود، قرار شد که معادن کج لوستان در نزدیکی پیل دختر و کوه دشت - کارخانه کج احداث شود. شرکت برای بنگار مقداری از زمین‌های زارعین را غصب کرده است. زارعین با رها برای احقاق حقوق خود به مقامات مسئول از جمله به دادگاه انقلاب مراجعه کرده‌اند، ولی تاکنون به کار آنها رسیدگی لازم نشده است. زارعین می‌گویند:

۱- با زمین‌ها را از ما بخرید و با اینکه بیول آنرا به ما پرداخت کنید.

۲- البته حرف آنها کاملاً منطقی است. مقامات مسئول باید در درجه اول دو نکته زیر را مورد توجه گرفت:

۱- عملیات پاکسازی باید به طور وسیعی در شرکت انجام شود.

۲- تکلیف زمین‌های غصب شده زارعین بکسره شود.

#### در کارخانه رحیم زاده و شرکا اصفهان

کارخانه رحیم زاده یکی از قدیمی‌ترین و بزرگترین کارخانه‌های ریستدگی اصفهان است. این کارخانه که در دهه چهل گسترش یافته و از داخل شهر به خارج اصفهان - تهران حدود یکصد کیلومتر فاصله منتقل شده است. اینک تعداد کارگران آن به سه برابر افزایش پیدا کرده است. البته بیکار، بعد از کودتای ۲۸ مرداد. کارگران آن تعصی شده‌اند و از آن تاریخ تا سال ۵۷، همواره هرگونه حرکت کارگری در این کارخانه سرکوب شده و تقریباً در یک زمان طولانی کارخانه خارج از فعالیت کارگری بوده است. این مسئله و زبان ناشی از آن امروز هم به چشم می‌خورد. بطوریکه در انتخابات شورای عالی قبل، دو نفر از افرادی که در سندیکای فرمایشی نقش درجه اول داشتند، دوباره به مقام شورا رسیدند. زیرا کارگران مبارز جوان کارخانه هنوز نتوانسته‌اند از آنجا محبوسیتی که تا به انتخاب شدن است، برخوردار شوند. یک کارگر سابقاً کارخانه به حق می‌گفت:

"جای سه، چهار نفر کارگر کج و کاری نسوی این کارخانه خالی است. سالهای گذشته هرکسی می‌توانست کار انجام دهد، اخراج شد، و حالا جایشان خالی است. من که تا سالن صبح تا شب سرم نوی ماشین است، نمی‌توانم یک پاهم در اداره کار و یک پاهم در دفتر کارخانه و دستم اینجا باشد. باید یک تشکیلاتی باشد که هر دفعه مراجع کند، بگوید اینکار شد، اینکار شد، چه کار کنید، چه کار نکنید، که چنین تشکیلاتی هم نیست".

گذشته از عوامل خارجی در سرکوب فعالیت کارگران، آنچه که در خود کارخانه نقش درجه اول داشته است، آقای کتابی، یکی از شرکای کارخانه و همچنین مدیر داخلی کارخانه است. کارگران، که کتابی را "آقا" می‌خوانند، از بدادگری‌های این مرد سخن بسیار می‌گویند. کارگری می‌گفت:

"زمان رژیم سابق، وقتی وارد سالن میشد، بیرو جوان می‌ترسیدند، چون کارش هیچ شوخی نداشت با کوچکترین اعتراض کارگر، از کارخانه اخراج میشد، گاهی هم خودش شخما کارگر را تنبیه می‌کرد".

یکی دیگر از کارگران می‌گفت:

"اگر به اداره کار هم شکایت می‌کردی، می‌توانست به جرم آشوب در کارخانه علیه‌اش اعلام جرم کند، و آنوقت بالای رفتی و با این می‌آیدی از حرفش برونی گشت".

ساری از کارگران در نتیجه کار سنگین بیماری متی گرفته‌اند. یکی از تکردهای دیگرش آن بود که

### بیانیه شورای کارمندان شهرداری

اخیراً بیانیه‌ای از جانب "شورای کارمندان شهرداری تهران" در ارتباط با پاکسازی در شهرداری تهران منتشر شده است. در این بیانیه از جمله آمده است:

... با نوسازی و پاکسازی دستگاه‌های دولتی و از آن جمله ادارات شهرداری تهران به پایان رسیده و دستگاه‌های اداری ما مجری فرامین انقلاب اندیا - ترمزکننده این فرامین، که سخن از پایان پاکسازی می‌شود؟

... واقعتاً آنست که خرابکاری‌های عمومی ضد انقلاب و حاکمان پست میز نشین آن در تمام سطوح، به علت عدم فاطمیت در مراحل حساس پس از انقلاب، دشواری‌ها و مشکلات را چندان نموده، که امروز ما شاهد کشف توطئه‌های رنگارنگ بکلیس از دیگری در دوران همین دستگاه‌های دولتی هستیم. مگر نه اینکه هر روز از نفوذ عناصر ساواک و وابسته ضد انقلاب در ادارات دولتی به بین وجود کارمندان انقلابی و هیئت‌های پاکسازی در حاکمات ترین مقامات اجرائی برده برداشته می‌شود؟

... ما ختم با ادامه نوسازی و پاکسازی اصولی دستگاه‌های اداری و فنی جدید نیروهای انقلاب و ضد انقلاب تسلسی نموده و اعلام می‌نمایم گسترش و تداوم پاکسازی اصولی دستگاه‌های دولتی، با تحکیم پایه‌های انقلاب ایران پیوند داشته و بر اساس رهنمود امام، همراه از ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و دولت آینده انقلاب می‌خواهیم که ... با تمویب انقلابی‌ا دامه کار رهبت‌های پاکسازی، اجازه ندهند ضد انقلاب مدار و به کار شکنی و خرابکاری خود ادامه دهد. ما در مقام نمایندگان کارمندان شهرداری تهران همچنین از آقای شهردار تهران انتظار داریم در جهت خواست برحق کارکنان صادق شهرداری، ادامه پاکسازی را ضرورت روز تشخیص داده و با ادامه پاکسازی و نوسازی شهرداری تهران موافقت و در همین راستا اقدام جدی و قاطع به عمل آورند".

کارگرانی که سر بلعوب می‌شدند، برای فرار از سربازی می‌توانستند در این کارخانه استخدام شوند و در عوض چون جای دیگری استخدامشان نمی‌کردند، حق اعتراض هم نداشتند.

امروز تعداد کارگران این کارخانه به بیش از ۹۰۰ نفر می‌رسد، که در این میان کارگران زیر ۱۸ سال تعداد قابل توجهی از این شمار را تشکیل می‌دهند. بعد از ۲۲ بهمن ۵۷، یکی از نکاتی را که به حق کارگران روی آن انگشت گذاشتند، مسئله ماندن پارتین آقای کتابی بود. دیگر ساواک و زاندار ساری آنجانی وجود نداشت. که کتابی بتواند به سگان اعتراض کارگران را خفه کند. این موضوع بار اول به صورت اعتراض شدید کارگران در شب میدال ۵۸ برای گرفتن عیدی متعلق شد. که کتابی را مجبور کردند تا عیدی کارگران را بپردازد.

مسئله مدیریت کتابی سرانجام مقارن با دولتی شدن کارخانه شد. کارگران که به حق خواستار دولتی شدن کارخانه بودند، در اواخر سال ۵۸ دست کتابی و بقیه را از کارخانه کوتاه کردند. مدتی نیز کارخانه را شورای کارخانه اداره می‌کرده است. تا آنکه سه هفته پیش مدیریت برای کارخانه انتخاب شده است. در گزارش نماینده اول شورای کارگران آمده است که، مدیریت جدید منتخب از جانب آقای کتابی و استانداری اصفهان است. البته این موضوع باعث نگرانی کارگران است. یکی از آنها می‌گفت:

"فکر می‌کنم، کتابی دارد استراحت می‌کند، که دوباره بازگردد. آنطور که کارگران معتقد بودند، مسئله مالکیت کارخانه هنوز حل نشده است. آنچه خود آنها می‌خواستند، آن بود که دیگر در کارخانه‌ای که کار می‌کنند، روی کتابی و اسالهم را نینهند. از اقداماتی که بعد از انقلاب در کارخانه صورت گرفته است، پناه کردن و مونتاز کردن ۱۳ عدد ماشین رنگ بوده است، که به جز ۴ عدد آن، تمام بوسله خود کارگران انجام گرفته است. پناه کردن این ماشینها می‌تواند روزانه ۶۰۰ بقیه (هر بقیه ۴ کیلو) نخ ۲۰ بروتولید کارخانه با افزایش هم اکنون تولید روزانه کارخانه ۴۰۰۰ بقیه نخ است. همچنین شیر، که از احتیاجات حتمی کارگران ریستدگی است، به دو سالن حلاجی و سالن شماره ۲ هر روز داده می‌شود، که البته صحبت‌تر است که به تمام سالن‌ها داده شود. تا کارگران از خطر بیماری صل نجات یابند.

#### به مشکلات کارگران سیلوی تاکستان رسیدگی کنید

کارگاه سیلوی تاکستان در ۲ کیلومتری جاده تاکستان - همدان قرار دارد. کارگاه متعلق به شرکت آردی، آب است که نسیمی از سهام آن به شرکت‌های انگلیسی و نسیمی دیگر به مهندسان ایرانی تعلق دارد. این شرکت در زمان انقلاب تعطیل بود، ولی بعد از انقلاب مجدداً شروع به کار کرد.

کار این شرکت سیلوسازی است و در شهرهای قم، اراک، تبریز و ورشو نیز کارگاه دارد.

در کارگاه تاکستان قریب ۱۸۰ نفر کار می‌کنند، که از این عده تعدادی نجار و آرماتوربند و در حدود ۵۰ نفر کارگر ساده هستند.

کار سیلوی به صورتی است که ابتدا نجارها و آرماتوربندها قالب‌بندی می‌کنند و سپس توسط بناها بتن ریزی می‌شود. کارگاه فاقد سندیکا و شوراست و فقط از آرماتوربندها و نجارها تعدادی عضو سندیکای قالب‌بندی و آرماتوربندی تهران هستند. چندی پیش در کارگاه

انتخابات صورت گرفت و گارگران محلی ۲ نفر را به نمایندگی از طرف خود تعیین کردند. اما عملاً این دو نفر کاری صورت ندادند، یکی از نماینده‌ها که سرکارگر است، در تمام موارد به سود منافع رئیس کارگاه عمل می‌کند.

از طرف شرکت برای کارگران شهر - ستانی خانه کرایه شده است و به کارگران بومی نیز حق مسکن پرداخت می‌شود. از مشکلات عمده مهم کارگاه، وضع ایمنی آن است، که باید برای آن راه حل جدی فوری انحصار شود. باید برای کارگران وسایل ایمنی از قبیل دستکش، عینک و کفش - ایمنی تهیه شود. به علت کمبود وسایل ایمنی در این کارگاه، تنها در طی یک هفته برای ۴ تن از کارگران سانحه رخ داد، که در یک مورد به نقض عضو از ناحیه دست منجر شد.

از دیگر مشکلات کارگران وضع بیمه آنهاست. تنها تعدادی از کارگران بیمه هستند و بقیه از مزایای بیمه برخوردار نیستند.

**گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند**

**زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد**

# خواستهای حقه دهقانان کرد

روستاهای کردستان ایران تعداد وسیعی از مجموع روستاهای کشورمان را به تعداد استان کردستان تشکیل میدهند. در این روستاها جمعیت کثیری از روستائیان کردگار و زندگی میکنند. سالهای سال دهقانان کرد، کمر بستہ وسپهره کتی بزرگ مالکی وستم ملی قرار داشتند. در کنار سایر برادران روستایی خود در سراسر کشور، دست در دست هم، در جنبشهای دهقانی ایران مسالانه شرکت نموده و در سرنگونی رژیم شاه سابق نقش خود را ایفا کرده‌اند.

مسئله زمین یک مسئله اساسی و حاد در این مناطق است و توتون ارسین مردن ستم بهره‌کنی بزرگ مالکی و نظام سنی فئودالی، مسائل این نواحی حل شدنی نیست. دهقانان کرد در زمان رژیم شاه سابق ارضیه کونه حقوق اجتماعی برخوردار نبودند. حق زمین، حق ردگی انسانی، حق استفاده از زبان و فرهنگ ملی، حق تکامل فرهنگ سنی و ملی و تامین حقوق ساسی، حق برخورداری از مواهب تمدن و حتی برخورداری مساوی از ثروت کشور در مورد آنان باحال می‌شد. زمینداران بزرگ و فئودالهای مناطق کرد - نشن، که با رژیم وابسته فاشد شاه سابق ارتباط و پیوند داشتند، بخشی از اهرم اجرائی سیاست ضد دهقانی در آن زمان بودند. مانع طغیانی آنان را شیوه عمل و سیاست رژیم گذشته نامن میکرد. بدین ترتیب دهقانان کرد، از روشی باستم ملی و از روشی دیگر باستم طغیانی روبرو بودند.

انقلاب شکوهمند ایران افق امیدبخشی را به روی دهقانان کرد گشود. اما دولت موقت "گام یکم" نخستین قدم‌ها را برای تثبیت مواضع بزرگ مالکان برودت. ولی حرکت ضد امپریالیستی و انقلابی نودهاتلم سازشکاری و تثبیت ساط استثمار و وابستگی نشد. جنبشهای دهقانی رشد تازه‌ای یافت و مواضع دهقانان تهدید شد در عرصه مبارزات طبقاتی در سطح روستاها پیش‌آرشی تثبیت شد. این مشارکت فعال در قانون و اگرداری زمین به دهقانان و آئین نامه اجرائی آن منکس شد. حوادث کردستان بویژه ضرورت حیاتی حل موری مسائل دهقانی و در درجه اول مسئله زمین و

- ★ روستاهای کردستان سالها عرصه ظلم و تجاوز به دهقانان و سرکوب خواستهای بحق آنان بوده است.
- ★ انقلاب باید بتواند پایه‌های حقوقی نیازهای اقتصادی و فرهنگی و ملی زحمتکشان کرد باشد.
- ★ طرد بزرگ مالکان و فئودالها، ایجاد شرایط برای رشد و نمو اقتصاد و تکامل فرهنگ ملی روستائیان کرده و وظیفه مبرم دولت است.



بچه‌های کیلاخی گوسفند و گاو به چرا برداشته

روستای سرنجیان: این روستا در دوازده کیلومتری سنندج واقع است. حادهای که روستا را به راه اصلی کرمانشاه - سنندج وصل میکند، حراب است و مردم میگویند: "برای مرمت آن بهاداره راه مراجعه کرده‌ایم، ولی تاکنون اقدامی نکرده‌اند." مردم خواستار آمدن جبهه‌سازندگی به روستا هستند و تقاضای ایجاد یک گرمابه دارند. مردم می‌گویند: "کسانی شایع کرده‌اند که ما با جبهه‌سازندگی همکاری نمی‌کنیم. این دروغ محض است. ما قیلاهم با جبهه‌سازندگی همکاری داشته‌ایم."

روستای گاوشان: این روستا در محور سنندج - کامیاران، بعد از تونل دوم از طرف سنندج، واقع شده است. در این ده مردم از نظر ارضای عمومی در مضیقه قرار دارند، زیرا به علت رفت و آمد بعضی افراد مسلح با طرازی آنها، مدتی است در محاصره سرسبز میگردند و تقاضای رسیدن ارضای عمومی را دارند. در این ده یک معدن سنگ بسیار مرغوب برای ساختمان و بل وجود دارد، که اغلب سنگ نمایی منطقه کردستان از آنجا تهیه میشود. قیلا این معدن متعلق به خوانین منطقه بود، ولی بعد از انقلاب تا کنون، توسط گروهی از روستائیان، که در آنجا کار می‌کنند، اداره میشود. هنوز بطور درستی در جهت رفع عمومی اراضی معدن استفاده نشده است. مردم تقاضا دارند که دولت وضع ملی شدن این معدن را روشن کند و در جهت بهره‌برداری از آن نفع مردم روستای گاوشان عمل نماید.

همجیح: وضع همجیح از همه حادتر است. همجیحی‌ها زمین برای کشت دارند (زراعت مسطحه صحرای سنندج است) و نماغ موه دارند. درآمد همجیحی‌ها سابقاً از فروش مصنوعات دستی - ارمسل شانه چوبی، قاشق چوبی، دوک نجاری، کسلیان (کوره) که خودشان درست میکردند، ناس می‌شد. همجیحی‌ها برای فروش اینطور چیزها فرسنگ‌ها راه را پهنه طی میکرد، تا آنها را بکنند مواضع کند. حالا که راه‌ها امن نیست و امکان دار دهجیحی عمومی کدم گوله نمیشد کرد، آنکار هم ممکن نیست. سک همجیحی میگفت: "اگر دولت کاری بکند، آرامش برقرار شود و مردم لقمه‌هایی بخورند، در کوزه همجیح دعا خواهم کرد." "کوزه همجیح آرامگاه یکی از صحنه‌های بی‌عمر است، که در همجیح واقع است و مردم آنرا مقدس میدانند." وضع عمومی محصول

پس از انقلاب درگیری‌هایی بین مردم و خان در گرفت، که منجر به نقل مکان خان گردید. حالا خان حاضر شده قسمتی از زمین‌ها را بر مردم بدهد، اما اهالی قبول نمیکند و تقاضای اعزام هیئت اصلاحات ارضی را دارند.

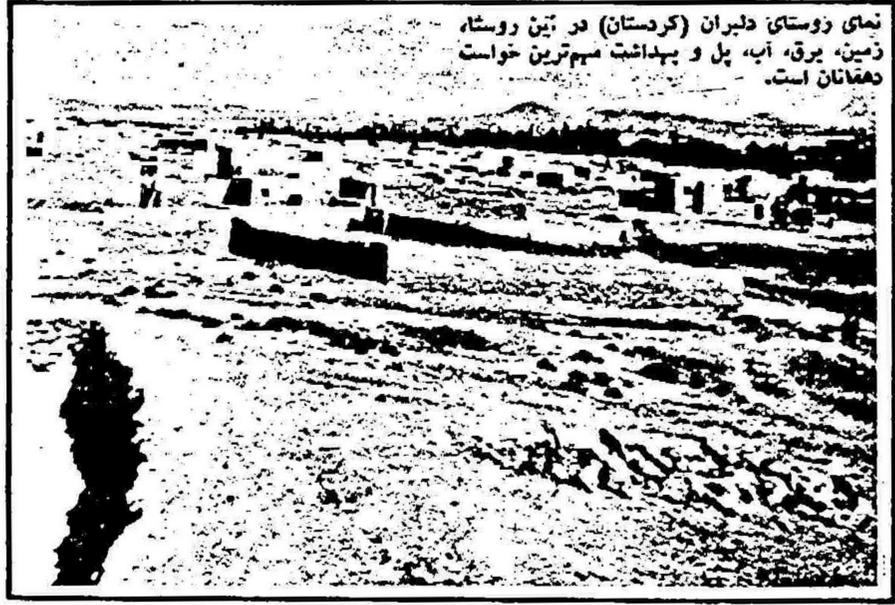
روستای ورمگان: این روستا در دهستان گاوشان رود از بخش کامیاران واقع است. مردم این ده از خرابی حادهای که ورمگان را به کیلاخان وصل میکند، می‌نالند. این جاده کرده‌ها ناچوری دارد، که احتیاج به اصلاح سیر و شن‌ریزی دارد. مردم ورمگان اکثر اقمیر هستند. در این ده و نقره مردم زور می‌گیرند و اهالی از دست آنها به تنگ آمده‌اند. خصوصاً که زیر پوشش حزب دمکرات قاسم‌بویه‌ها و سایرین مختلف از مردم اخاذی می‌کنند. ارضای عمومی کمپ است و درمانگاه تا فاصله ۵۰ کیلومتری وجود ندارد.

روستای خیرآباد: نام دیگر این ده کیلاخان علیاست. بزرگترین دردمردم این روستا بی‌آبی است. مردم نمتیاب برای آبیاری ندارند، آب برای آبیاری هم ندارند. چشمه‌های قفیری دارند که گاهی خشک میشود و مردم مجبور میشوند از کوه‌آب بیاورند. مردم بارها برای حفراه نیمه‌معمیق به کشاورزی مراجعه کرده‌اند، اما تاکنون نتیجه‌ای نگرفتند. از وسائل قدیمی و شیوه‌های کهن کشاورزی در این ده هنوز استفاده میشود.

مردم خیرآباد هنوز از شیوه‌های کهن کشاورزی استفاده میکنند.

روستای تخته: این روستا در حومه سنندج واقع است و مردم آن به زبان اورامی صحبت میکنند. این روستا راه صاب العبوری دارد. چند سال است که مردم برای احداث یک جاده فرعی بمقامات دولتی مراجعه میکنند و نتیجه‌ای نمی‌گیرند. بارها اتفاق افتاده که مریخی آنها در روستا بین راه تلف شده و میوه‌هاشان در باستان بخاطر نبودن وسیله برای حمل به شهر، فروش نمیرود.

روستای دلآباد: این روستا در اطراف حین آباد دیواندره واقع است و زمین‌ها در آنجا هنوز بلا تکلیف مانده است. مردم از نبودن ارضای عمومی و خرابی ساختمان شکایت دارند. مدرسه‌ها کمبود های دیگر روستا.



نمای روستای دلبران (کردستان) در تین روستا زمین، برق، آب، پل و بهداشت مهمترین خواست دهقانان است.

روستای خلیفه‌بایر: این روستا در کنار رودخانه گاورد واقع است. در این ده فئودالی سالها خون مردم ده را در شیشه کرده و تمام زمین‌های حاصلخیز منطقه خلیفه‌بایر و نصرت آباد و ساخرم متعلق به اوست. چندی پیش پاسداران سقر کلیایی در منزل برادرخان یک اسلحه خانه کشف کردند و اکنون این دو نفر کشته‌اند. فئودال این ده همین یکی دوسال پیش قطعات زیادی زمین از کشاورزان قصب کرد. است. مردم ده خواستار اعزام هیئت هفت نفره و انجام اصلاحات ارضی هستند.

خرد کردن پانگه صدا انقلاب را طرح ساخت. علاوه روستاهای کردستان اغلب از امکانات مادی و مهنوی بی بهره‌اند. از آموزش و بهداشت کمتر چیزی هست. در عوض آزار و شکنجه دهقانان بعنوان عادت روزانه بزرگ مالکان و کسب و محرومیت و بنوان "روال عادی زندگی زحمتکشان هنوز ادامه دارد و این مغایر با روح و هدف انقلاب است.

دهقانان کرد خواهان برچیدن سباط دستگاه ظلم و ستم و جنایات و استثمار بزرگ مالکان - این پانگه صدا انقلاب هار و مسلح هستند. این یک خواست طبیعی و بحق، انقلابی و انسانی است و باید بمان عمیقاً توسعه کرد.

آنچه در این صفحه می‌خوانید، نمونه‌های مشخصی است از وضع نابسامان روستاهای کردستان.

روستای کیلاخان: این روستا در بخش کامیاران از توابع شهرستان سنندج و در دهستان گاوشان رود قرار دارد. این روستا در حدود ده شرکت سهامی زراعی متشکل نام (فرع سابق) قرار دارد، که پس از انقلاب منحل شد. مردم این روستا با مشکل نداشتن وسائل کار مدرن کشاورزی روبرو هستند، زیرا قیلا ماشین آلات دولتی متعلق به شرکت کارها را انجام میداد و مردم هم آن علت همه گاوهای خود را فروخته بودند.

بعد از انحلال شرکت، اکثر اهالی به علت فقر نتوانستند تراکتور باکاو بخرند. علاوه تمامی ماشین‌آلات کشاورزی شرکت سهامی زراعی، که میتوانست مورد استفاده مردم واقع گردد، توسط گروه‌های مسلح سرقت رفت. اکنون اهالی وسیله کشت و کار ندارند. بعضی هادار و نادر خود را فروخته اند که گاوی بخرند. بعضی هاهم گرایه تراکتور میدهند که برایشان کت کند.

امسال محصول کشاورزی این ده بسیار ناچیز است. مردم میگویند:

"اگر دولت بیاکف نکند، با این گندمهایی که داریم نصف نان خودمان را نمیدهد." در ضمن جامعه عسقی که در زمان شرکت سهامی جهره می‌تواند مورد استفاده برای آبیاری بخشی از زمینها قرار گیرد، به علت اختلاف موجود بین اهالی عملی استفاده مانده است. مردم تقاضا دارند که وزارت کشاورزی نامده‌های عملی امسال دارد و اموال مارت شده شرکت را صورت برداری نماید. در

وضع عمومی محصول روستا در مناطق کردستان آمسال تعریفی ندارد. رسرا علت نبود امنیت و دلخوش نبودن مردم. کشت کم شنه و در ضمن سال بی‌آبی هم هست و وقت محصول هم سوخت برای ماشین‌آلات کشاورزی کماب بود. در منطقه کارورد محصول کدم بسیار پائین است. در منطقه طوات آباد، که اغلب باغات انگور دارد، به علت نرسیدن سوم دفع آفات شاتی، باغ‌ها را آفت‌آرسین برده است. در منطقه ژاورد هم، که اکثر آدر آمد شان از فروش میوه‌هاست میشود، میوه‌ها را خوب نیست و به علاوه برای حمل و نقل آن راه‌ها امن نیست. در منطقه لیلخ که شامل روستاهای زیادی از جمله سلمان آباد، قادر مرز، کاظم آباد، سی‌آباد، فامیلون و سمر قلی است، وضع محصول وقت بار است. کدم‌ها اغلب به علت کم‌آبی و عدم رنده‌داس نرسیدند.

در باره کردستان نباید بر اساس ذهنیات و با اخبار دروغ سخاوها قضاوت کرد، بلکه بر اساس واقعات موجود باید مساله کردستان را حل نمود. سا حل مسالمت آمیز مساله کردستان، تا آنکه بر پیام تاریخی امام خمینی، ستم ملی را زدوش مردم این دیار بردارند! با بر مراری صلح در کردستان، به مردم امکان شکوفایی و رشد دهد! با اجرای سریع و پیگیر قانون اصلاحات ارضی سواد دهقانان تهیدست، ریشه فساد و ستم بزرگ مالکی را برکنند و انقلاب را مستحکم و شکوفا سازند!



مردم خیرآباد هنوز از شیوه‌های کهن کشاورزی استفاده می‌کنند.

# مبارزه خلق اروگوئه بر ضد دیکتاتوری گسترش می یابد

گزارش های رسیده از اروگوئه حاکی است که در هفته های گذشته سیزده آشتی یابیدرمان نیروهای دمکراتیک و دیکتاتوری نظامی آن کشور، که در ۱۳۵۲ زمام امور را در اروگوئه بدست گرفت، همواره شدت می گزاید. مردم اروگوئه سوز از آن جهت به حتم آمده اند که، زنیال های اروگوئه نیز، مانند همتایان در شیلی، قصد دارند تا با برپایی رژیم دیکتاتوری در ۱۹ اذر ۱۳۵۹، درباره قانون اساسی جدید، به دیکتاتوری خود قانونیت بخشند.

امروزه نه تنها احزاب "فرنته آملیو" ("جبهه وسیع")، که همه نیروهای دمکراتیک، از جمله "حزب کمونیست اروگوئه" در آن متحد شده اند، بلکه تقریباً همه احزاب و سازمانهای روزروانی نیز به مخالفت با رژیم برخاسته اند. گروه اخیر همچنین دو حزب سنتی اروگوئه، یعنی "حزب ملی" و "حزب کلدو" را در بر می گیرد.

نمونه بارز اتحاد روزافزون خلق اروگوئه علیه دیکتاتوری، تشکیل "همگرایی ملی اروگوئه" در تاریخ ۱۶ فروردین امسال بود، که شخصیت های برجسته اروگوئه، با عقاید سیاسی، اجتماعی و مذهبی گوناگون در آن شرکت دارند. "همگرایی ملی اروگوئه" همه نیروهای دمکراتیک آن کشور را به اتحاد و تفاهم علیه دیکتاتوری نظامی و در راه استقرار دمکراسی در اروگوئه فراخوانده است.

رژیم دیکتاتوری اروگوئه، اتحاد فزاینده مردم را تا شدید سرکوب پاسخ می گوید. موجب اطلاعات "حزب کمونیست اروگوئه"، تنها در چهار ماه گذشته بیش از ۵۰۰ تن از زحماتکنان اروگوئه بازداشت شده اند. شماره زندانیان سیاسی اروگوئه، از جمله در اردوگاههای "لیرتاده" و "پورتادریس"، متجاوز از ۲۰۰۰ است. چندین پیش در نظارات صدامشیت که در اروگوئه صورت گرفت، کارگری جوان به نام خورخه ریس، از سوی ارتجاع به قتل رسید.

چندی پیش، رژیم، با توفیق دختر خوزه پدرو گاردوسو، روانشناس نامدار و صدر هفتاد و هفت ساله، "حزب سوسیالیست اروگوئه" را خشم گسترده مردم اروگوئه را برانگیخت. "حزب سوسیالیست اروگوئه"، که مانند همه احزاب دمکراتیک و سازمان های توده ای اروگوئه در سال ۱۳۵۲ عرفانونی اعلام گشت، از سال ۱۳۵۰ تاکنون عضو "فرنته آملیو" است و جزو پایه گذاران این جبهه بشمار می رود.

دکتر گاردوسو در سال ۱۳۱۰ به "حزب سوسیالیست اروگوئه" پیوست و از سال ۱۳۱۲ تاکنون

عضو "کمیته اجرائی" آن حزب است. وی چندین بار به سمت دبیرکل "حزب سوسیالیست اروگوئه" انتخاب شد و سالها سردبیر "ال سول"، ارگاسان مرکزی حزب بود. دکتر گاردوسو ۱۶ سال در پارلمان و ۸ سال در سازمان وطفه سرکرد. وی تجریبات عینی خویش را در دوران فعالیت پارلمانی در کتاب "به نام خلق" بر روی کاغذ آورده است. گاردوسو همواره از ضرورت همکاری سان حزب خوش و کمونیست های اروگوئه پشتیبانی کرده است.

بازداشت گاردوسو مردم اروگوئه و انگسار عمومی جهان را بر آن داشته است که، با قاطعیت هر چه بیشتر با ردیکر آزادی فوری و بلا شرط همه زندانیان سیاسی اروگوئه را خواستار شوند. از جمله زندانیان سیاسی معروف اروگوئه میتوان از لیبیورینی زنیال مترقی و صدر "فرنته آملیو"، خاشم پیرز، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اروگوئه، و پروفسور خوزه خوئیس ماسرا، ریاضدان برجسته اروگوئه، که همچنین شهرت جهانی دارد، نام برد.

برخواست های نیروهای دمکراتیک منی سر آزادی زندانیهای سیاسی، استقرار دمکراسی، اجازه بازگشت به مهاجران سیاسی، تشکیل مجلس موسان و شرکت همه احزاب در حل مسائل مردم اقتصادی و اجتماعی، ایک تحریم قاطعانه "همه برسی" ۹ آذر نیز افزوده شده است. به گفته سخنگویان احزاب دمکراتیک، نظامیان قصد دارند تا با این "قانون اساسی" خود ساخته، دیکتاتوری خویش را "قانونیت" و "حکومت خود را" ابدیت بخشند. موجب "قانون اساسی" کذایی نامبرده، احزاب چپ کماکان اجازه فعالیت قانونی را نخواهند داشت، حتی یک زندانی سیاسی آزاد نخواهد شد و در حدود ده هزار شهروند اروگوئه از جمع حقوق سیاسی بی بهره خواهند ماند. فزون بر این، حتی احزاب روزروانی خواهند توانست به فعالیت سیاسی بپردازند، تنها نامزد واحد نظامیان میشوند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند و در پیگرد موجب "قانون امنیت داخلی" نیز تجمیری حاصل خواهد شد.

چنانکه "حزب کمونیست اروگوئه"، در بیانیه ای خاطرنشان می سازد، اعلام باصطلاح بازگشت به دمکراسی، از سوی خویشای نظامی، تنها تلاشی است برای فریب مردم اروگوئه و مقابله با انفراد روزافزون رژیم در صحنه "سین المللی".

## شوخی نیست...

### سازش دوا بر قدرت!

دنیا، همانطور که می دانید، روی شش "سازش دوا بر قدرت" می چرخد. هیچ واقعه ای، جنگی، انقلابی، کودتایی، عقد قراردادی، جلسه مذاکره ای، کنفرانسی، خلاصه هیچ پدیده و محرک سیاسی انجام نمی پذیرد، مگر با توافق ابر قدرت ها. دلیل می خواهد؟ حرف جاسی، مگر دلیل میخواهد؟! و فایده شکرید.

محصص این که جنگ جهانی دوم تمام شد، ابر قدرت ها با هم توافق کردند که جهان هم بپسند. با هم قرار گذاشتند که در عرصه تبلیغات، بکسی علیه سرمایه داری و دیگری علیه سوسیالیسم تبلیغ کند. با هم توافق کردند که در تبلیغات سرمایه داری، سیستم استعمار طبقات زحمتکش و استعمار خلق های زیر سلطه امپریالیسم فاش شود، و در عوض، در تبلیغات ضد سوسیالیسم، جهان سرمایه داری "جهان آزاد" خوانده شود و کشورهای سوسیالیستی - کشورهای پشت پرده آفرین و نیز کشورهای دروغ های شاحدر به معظام اجتماعی این کشورها محازب باشد.

"ابرقدرت روس" موافقت کرد که ابر قدرت امریکا در تبلیغات خود تابع کند که در کشور روسیه زبان اشتراکی اند، خانواده وجود ندارد، مذهب قدغن است، قتل عام مردم محاز است. ۱۲۰ عدد سواک دندان بیشتر وجود ندارد، که دو عدد آنها به استالین و ۱۰ عدد دیگر به منفرقیه اعضا دفتر سیاسی (هر کدام یک عدد) تعلق دارد.

بین دوا بر قدرت توافق شد که ابر قدرت امریکا در اروپا برسد "ابرقدرت روس" پیمان نظامی ناتو را تشکیل دهد. و نیز، هر گاه دیگری می تواند، پیمان هایی از نوع پیمان سنتو و سیتو و غیره بسازد. با کشورهای "جهان آزاد" قراردادهای نظامی ببندد. شکهای از پایگاه های نظامی برسد "ابرقدرت روس" بوجود آورد، به نحوی که "ابرقدرت روس" در محاصره نظامی ابر قدرت امریکا قرار گیرد. دوا بر قدرت با هم توافق کردند که این عملیات به عنوان مقابله با "خطر شوروی" انجام گیرد، و ضمناً بین آنها موافقت شد که پیمان ورشو هم در مقابل پیمان ناتو تشکیل شود، سادار استی راستی، کار از دست ابر قدرت امریکا خارج شود و این ابر قدرت به "ابرقدرت روس" حمله کند.

علاوه بر آن، دوا بر قدرت توافق کردند که از این پس، هیچ واقعه ای بدون توافق و سازش آنها صورت نگیرد. وقایع مشخصی بین این توافق و سازش کلی است. مثلاً "جنگ کره"، "ابرقدرت روس" موافقت کرد که ابر قدرت امریکا به حمله کند و ابر قدرت امریکا موافقت کرد که در این جنگ شکست بخورد. جنگ ویتنام سازش دوا بر قدرت را واضح تر فاش می کند. "روسیه" موافقت کرد که امریکا به ویتنام لشکر کشی کند و سال ها آهن و آتش برویتنام فرو ریزد، به شرط این که "روسیه" هم به ویتنام کمک کند. دوا بر قدرت با هم قرار گذاشتند که اگر سر امریکاطوری شکست بخورد که افسران و سربازانش به جرح و هلیکوپترها بچسبند و فرار کنند و ویتنام سوسیالیستی شود. در عوض، بین آنها توافق شد که آلبنده در شیلی با یک انتخابات سرکار بیاورد. اعلام کند که می خواهد سوسیالیسم بسازد، بعد امریکا کودتاییه شکست و حکومت آلبنده را ساقط کند و در شیلی رژیم فاشیستی برپا کند.

هزار نمونه می توان از توافق و سازش ابر قدرت ها آورد. مثلاً "در سودان"، موافقت آنها، جعفر نمیری استبداد به عنوان استقلال طلبی روی کار

نمونه ۲ - حقایق فوق را ما تحت تاثیر نصیحت دوستانه ای برشته تحریر در آورده ایم. دوستی که متأسفانه در "حاشیه نشسته است، نوشته بود: به محض این که حرف از تفاهم و توافق دوا بر قدرت به میان بیاید، به تودهای برمی خورد که به ارباب بد گفتی؟

ما متوجه شدیم که دیگر نباید منکر تفاهم و توافق و سازش دوا بر قدرت شد، چون ممکن است به ارباب برخورد.

"ناصح" آخرین سند "سازش دوا بر قدرت" را نیز ضمناً به ما ارائه داده، که خیلی قانع کننده است. نوشته:

دبیروز هارولد براون وزیر دفاع امریکا به مسکو چراغ سبز داد و به روس ها یک نصیحت دوستانه کرد که، تنها راه از بین بردن بقایای مقاومت مجاهدین افغانی این است که روسیه نیروی خود را در افغانستان دوا بر این کند.

با شنیدن این نصیحت دوستانه هارولد براون، حتماً وزیر دفاع روسیه هم به امریکا نصیحت دوستانه کرده است که، پیش از پیش از پاکستان به افغانستان "مجاهد" حادر کند.

### در مطبوعات کشور

این کجایش میزان است

... و سرانجام از تخم بیرون آمد، ولی هر چه نگاه کردیم، هیچ جایش را میزان ندیدیم. ویژه - نامه اش، شاید، سختی بود و در باغ سبزی، اما بیهوشی، بکسر نامیزان بود.

... همین شماره نخستین آن خیلی به "راست" سنگینی کرده است، مواظب باشید "جبه" نشود.

... آنکه می گفت طغیان در جامعه ما وجود ندارند، مفید می الارض، امیر عباس هویداورد، طلعون ازل و محمد رضا پهلوی بود. اما، بیخشدی؟ شما چرا با جامعه ای طبقه موالفید؟ آیا با مستکران گاو بندگی کرده اید؟ شاید هم خودتان مستکبر ...

یک بدعت دیگر: "مبارزه با سرمایه داری" آه ۱ این که دیگر الحاد صرف است: "کار را به جایی رسانده اند که ابودرهم نام اسطوره" مبارزه با سرمایه دار عرفی می شود.

ابودرهم همان بود که می گفت: در شکتم از آن کس که نانی در خانه نمی باید و شمشیر بر نمی کند. بر هر خلق ... آنها او دشمن سرمایه دار نبود؛ راستی شما چه سبی دارید از اینکه ابودرهم اسطوره مبارزه با سرمایه دار عرفی شود؟ آیا خودتان جز این طبقه نیستید؟ ...

یک بدعت دیگر: "به نام افشارگری، عرض و آبروی مسلمان حراج می شود".

راستی کی ها را میگویند؟ ما که دیدیم اینان، چگونه مسلمانانی بودند، امیران نظام بود، و آن - رسوایی ها، مدنی بود که گویند چهل میلیون هزینه انتخابات وی بود. نریزه بود، و ما دیدیم که هیچ چیز نریزه نبود ...

یک بدعت دیگر: حمله به سازشکاران: "سازشکار لقی است که مارکسیست ها برای از میدان بدر کردن آزادیخواهان ا جعل کردند" ...

راست است که فریبکاران حافظه ندارند. اما معلوم شد کسانی که می خواستند با برزینگی سازش کنند، آن ها که مبارزه با امریکا را نادانی می شمارند و توپنه های امپریالیست های پالات متحده را فرمی می دانند. "آزادخواه" هستند. حالا دانستم که این آقایان خواستار چگونه آزادی هستند و چرا این قدر نسبت به عنوان سازشکار حساسیت دارند.

... این ها انتصاحات شمار نخستین میزان بود. گفتیم این ها چه رسوایی است؟ گفتند: رسوایی نیست، عقاید حضرات است ...

آقایان ۱ میزان "شما میزان نیست، مردم را فریب ندهید. گند نمایان جو فروش ۱ ... (صبح آزادگان - ۲۰ شهریور ۵۹)

### در هر کجا جنبش آزادیبخشی بوجود می آید، آن را به اتهام کمونیستی بودن درهم می گویند

صبح آزادگان، زیر عنوان "طرحی برای سیاست خارجی" از جمله می نویسند:

... امروزه این فقط وسعهای و بهانه های برای سلطه گری غرب شده است، در هر کجا جنبش آزادیبخشی بوجود می آید، آن را به اتهام کمونیستی بودن درهم می گویند. حتی کودتای ۲۸ مرداد را که راه انداختند، در اروپا آن را مبارزه برعلیه کمونیستی جلوه دادند.

... نگذاریم این تضادها (تضاد بین کشور های غیر وابسته) همچنان زمزم شوند، این کشورها هر کدام دارای سواد اولیه و محصولات کشاورزی و صنعتی متفاوتی می باشند که می توانند متقابلاً مورد تبادل قرار دهند و بر شد یکدیگر کمک کنند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید در این راه قدم های بزرگی بردارد و از این ها دعوت کند تا امکانات شان را در اختیار همدیگر بگذارد. نسه اینکه اگر هندوستان در مورد این همکاری ناممندی متعددی به وزارت امور خارجه می نویسد، به وجهار ماه بدون جواب می ماند ...

... باید متوجه این معنی باشیم که بعضی اوقات رابطه ها و ملاقات ها با دولتی که در شرایط خاصی در برابرتش قرارداد دارد، سبب دلبری ملتش و حتی تمام ملت های زیر سلطه جهان شود.

... چطور وقتی رئیس دولت چین به ملاقات شاه می آید، ما اعتراض می کردیم، ولی آقای قطب زاده ما کمال و فاجت از پاکستان دیدن میکند و ما اعتراض نمی کنیم؟ ملت پاکستان هم پس از علی بوتو کودتایی نظیر کودتای ۲۸ مرداد را داشت ...

... فقط با داشتن اطلاعات صحیح میتوان بر اساس "تزدیکی با حق و دوری از باطل" سیاست خارجی را تنظیم کرد. کمی اطلاعات و با بدتر از آن به دام تبلیغات و زمینه سازی ها افتادن فاجعه های سیاسی خطرناکی همزه خواهد داشت ... اگر موضوع کارمان را جدی بگیریم باید اعتراف کنیم که سده از افغانستان درست خبر داریم، نه از مصروفات اهداف عراق والی آخر. مایه تخمین و گمان متوسل می شویم آنهم با مقدماتی نظریات و علائق شخصی نه به شکل حقیقت حوی. نتیجه این می شود که سیاست خارجی این یک ساله اخیر فقط یک مشت فحش و شعار بوده، که با معنی از کشورها سادله کرده ایم ...

(صبح آزادگان - ۲۲ شهریور ۵۹)

### در جهان سوسیالیسم

### جمهوری دمکراتیک آلمان از نظر درصد کودکانی که به مهد کودک می روند، مقام نخست را در جهان حائز است

درده سال گذشته، در جمهوری دمکراتیک آلمان:

- برای ۱۰۶۰۰۰ کودک، مهد کودک
- برای ۲۰۶۹۰۰۰ کودک، کودکستان
- ۲۹۶۰۰ کلاسی درس
- ۱۱۰۰ سالن ورزش مدرسه

ا حداث شد.

یک سوم گنجایش کودکانستانها و مهد های کودک در جمهوری دمکراتیک آلمان در دهه پیش ا بجا ذکر دیده است. بدین ترتیب، در مهدکودکان تا سه ساله ای که به مهدکودک میروند، از ۲۹۹ در سال ۱۳۴۹ به ۶۱ در سال ۱۳۵۸ افزایش یافت و جمهوری دمکراتیک آلمان را از این نظر در سطح جهان در مقام نخست قرار داد. در همین سالها در مهدکودکان کودکتانی از ۶۵ به ۹۲ رسید.

در سال ۱۳۵۸، ۷۸/۸ درصد زنان آلمان دمکراتیک کار می کردند و با درس می خواندند.

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

دوستانه ای برشته تحریر در آورده ایم. دوستی که متأسفانه در "حاشیه نشسته است، نوشته بود: به محض این که حرف از تفاهم و توافق دوا بر قدرت به میان بیاید، به تودهای برمی خورد که به ارباب بد گفتی؟

# ورشو بمانوز دیکتو است یا تهران؟!

یکی از شکردهای تبلیغاتی خبرگزاریهای امپریالیستی در جریان رویدادهای لهستان، آن بود که، مانور نیروهای برخی از کشورهای عضو «پیمان ورشو» را که از ماهها پیش برنامه ریزی و تدارک دیده شده بود، در ارتباط با رویدادهای نامبرده معرفی کند و دربارۀ باصلاح دکترین برزف اسفانهها بیروند، بدبختانه، رسانه‌های گروهی ما نیز، که دانسته و یا ندانسته، اغلب تحریفات و دروغهای خبرگزاری‌های اجیر امپریالیسم را شخوار میکنند، اینبار نیز در بهترین حالت بدم افتادند و با عکس و تفصیل از «تجاوز ارتش‌های «روسیه» و «آلبان شرقی»... به لهستان خبر دادند! درحالیکه، مانور جنگی «لایفلاین» پیمان تجاوزکار «ناتو»، که تقریباً هزمان انجام گرفت، بمشون خبری معادیه نقلی شد. یادآور می‌شویم که در این مانور، بویژه «نیروهای واکنش سریع» آمریکا شرکت داشتند. همان سیاهی که امپریالیسم آمریکا برای دفاع از منافع مداخله‌گرانه و غارتجویانه خویش در اقصی‌نقاط جهان، بخصوص در خاورمیانه و خلیج فارس، سرهم کرده‌است. نیروهای مسلح «ناتو» در پنج سال گذشته، در حدود ۳۰۰ بار به مانور دست زده‌اند. هنوز مرکب مسند نهایی هلسینکی بر کاغذ خشک نشده بود که، در پائیز ۱۳۵۴، مانور پائیزی «ناتو»، که منطقه وسیعی از اروپا، یعنی از دانمارک شمالی تا دریای مدیترانه را فرا میگرفت، آغاز گشت. در این مانور، که «آوتوآتم فورج» نام داشت، برای نخستین بار، ۲۳۵ هزار سرباز کشورهای «ناتو» بهترین حملات برق‌آسا به کشورهای عضو پیمان ورشو» پرداختند.

از آن تاریخ، شماره سربازانی که در مانورهای پائیزی «ناتو» شرکت میکنند، سال‌سال، افزایش یافته است. درسال ۱۳۵۷، ۴۰۰ هزار سرباز و افسر، ۱۵۰۰ هواپیما، ۴۰۰ کشتی جنگی و ده‌ها هزار خودروی رزمی در مانورهای پائیزی «ناتو» شرکت کردند. در سلسله مانورهای پائیزی ۱۳۵۷، که از ۳۰ مانور جداگانه تشکیل میگشت، تحرک نیروهای مسلح و ذخیره «ناتو» مورد آزمایش قرار گرفت. حمل نفرات و تجویزات از ایالات متحده آمریکا به اروپای غربی تمرین شد و عملیات نظامی هوایی، زمینی و دریایی در هشتادگی یا یکدیگر صورت پذیرفت.

«ناتو» اعلام کرده است که، مانور پائیزی اسال بزرگترین مانور نوع خود در ده‌سال گذشته خواهد بود. قرار است که تقریباً تمام واحدهای ذخیره بریتانیا، هلند و بلژیک در این مانور شرکت کنند. فزون بر این، تعداد پیشماری از یگان‌های ایالات متحده به اروپای غربی گسیل خواهند شد. نقل و انتقال سپاهیان آمریکا از ایالات متحده به اروپای غربی سال سال نفرات بیشتری را دربر میگردد و از ده‌هزار نفر در سال ۱۳۵۴ به چهارده هزار نفر درسال گذشته رسیده‌است. نیروهای هوایی «ناتو» در مانورهای سالانه «کولدفایر»، «کرسدک» و «کلاودی کوروس» خود، به مانورهای نیروهای زمینی پیوسته‌اند. فزون بر این، نیروهای دریایی «ناتو» نیز، از جمله در دریای شمال، دریای بالیک، اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه به مانورهای وسیع پرداخته‌اند.

در هر یک از مانورهای دریایی «پاتانی» و «بولد کب» در دریای بالیک و دریای شمال، در حدود ده‌هزار سرباز و بیست‌هزار کشتی جنگی آلمان غربی، بریتانیا، دانمارک و نروژ شرکت کردند. از جمله مانورهای دریایی بزرگ «ناتو»، مانور «تیبورک ۷۶» بود، که با شرکت ۸۰ هزار سرباز، ۲۳۰ کشتی جنگی و ۹۰۰ هواپیما، از ده کشور عضو انجام شد. در مانور «نورترن‌ودینگ» ۷۸، ۶۰ هزار سرباز، ۲۲۲ کشتی جنگی و ۸۰۰ هواپیما شرکت داشتند.

مانورهای سالانه «داتون‌پیتورل» و «دیسپلیدی‌پیتیش» درمدیترانه، باعتراف سران «ناتو»، باتوجه به اوضاع خاورمیانه و نزدیک، یعنی از جمله ایران خودمان، صورت گرفت.

مایه تاسف است که، چون خبرگزاری‌های امپریالیستی، با تاسف و ابستگی‌های مزبورانه خود، به نشر خبر درباره‌ی مانورهای جنگی تیرم پردازان خویش رغبت چندانی نشان نمیدهند، رسانه‌های گروهی ما نیز در این زمینه سکوت اختیار کنند - حتی اگر بسیاری از این مانورها درست بخاطر مقابله با انقلاب ضدامپریالیستی ما برپا شود. مثل اینکه در جغرافیای برخه‌ها، ورشو نزدیک‌تر است تا تهران!

## در جلسه عانی دیروز مجلس

پته از صفحه ۲

«گروگانها» محاکمه آمریکا و تمام جنایت‌های است که در این‌جا، در این کشور و در... دنیا کرده‌است... من معتقدم این‌ها باید محاکمه بشوند.

مجلسی در پایان سخنانش، ضمن تاکید بر مبارزه دائمی با امپریالیسم آمریکا، شمار داد: «هرگز بر آمریکا» در پایان جلسه دیروز، نامه محمدعلی رجایی، نخست وزیر، درباره معرفی دوتن وزیر جدید به نامهای مهتدی موسی خیر وزیر مشاور، سرپرست سازمان برنامه و مهتدی جواد تندگویان وزیر نفت قرائت شد و بحث پیرامون آنها به جلسه پنجشنبه صبح مجلس موکول شد.

### توضیح

متأسفانه در شماره ۳۲۷ نامه «مردم» در گزارش جلسه علنی پنجشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی، نام آقای شرافت‌بجای نام آقای موسوی تبریزی جایب شد، که به سخنان آقای مهتدی بازرگان جواب داده بود. علت این اشتباه آنست که آقای موسوی تبریزی بهنگامی‌ساز از میکروفون آقای شرافت استفاده کرد.

## تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکالی) ضرور است - انقلاب ایران است

## باوحدت...

پته از صفحه ۱

در روزهایی که نخستین کاروان شهیدان بسوی «بهشت‌زهرا» روان شده، از سوئی بروشن‌عمان گردید که رژیم بوسیله طاعون، در برابر این سیل بنیان‌کن طاقت بقا نخواهد داشت، و از سوی دیگر آشکار بود که، نبرد ما با ابلیس عصر، یعنی امپریالیسم آمریکا، نه یک مصاف و نه در مصاف بود، و آنانکه میلیاردها و تریلیونها ذخائر ما را چاییده و به‌چاپول-گری این‌مرز و بوم‌جو گرفته‌اند، به آسان دست از گریبان ما نخواهند کشید، و ما از همان نخستین روز پیراز انقلاب شاهد این واقعیت بودیم.

دوران جنگ رویارویی در خیابانها موقتا سبزی شد و دوران جنگ تحریبی «نهانی» در داخل رژیم جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. ولی هنگامیکه حرکت انقلابی دانشجویان مسلمان بیرو خط امام با تأیید امام خمینی و پشتیبانی قلم‌میلونیا «مردم انقلابی» ایران امید مسخ «کام‌بیکام» انقلاب از درون را از امپریالیسم گرفت. آنگاه شیوه‌های جنگ رویارویی با انقلاب ایران بار دیگر در صنف مقدمه قرار داده شد: تهاجمات، توطئه‌ها، کودتاها و بالاخره جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران بلمست رژیم مزدور بعثی عراق و با همکاری همه مرتجعین منطقه آغاز گردید و پسرده‌های

## ما با آمریکا...

پته از صفحه ۱

جبهه» فراهم کرد. تکرار نیروی دریایی آمریکا در آبهای مجاور ایران و گسیل واحدهایی از نیروی هواکنش سریع آمریکا، در نقشه آمریکا-بمنوان پوششی برای جنگ ایدانی عراق و تشویق و دلگرمی رژیم مزدور بعثی عراق به ادامه جنگ تجاویزی ایدانی علیه جمهوری اسلامی ایران و تک‌گام‌های برای همه نیروهای ضدانقلابی داخلی و خارجی دد نظر گرفته شده‌است.

امریکا بهنگام دوتین! ایسن نقشه - تجزیه‌بخشی از ایران و اعلان حکومت «آزاده» در آن، که مبنایستی با تهاجم نظامی جمهوری اسلامی ایران را براندازد - یک عامل را بصباب نیاروده و نمیتوانست و هیچگاه نخواهد توانست به حساب آورد. ایسن عامل، که در آخرین نتیجه تمسین‌کننده سرنشوست است، ناش خلق است.

خلق رزمنده و انقلابی و مصمم به‌رهائی از یوغ سلطه امپریالیسم هار و جهانخواز، نه در ویتنام، نه در کوبا، نه در کره، نه در آنکولا، نه در موزامبیک، نه در زیمبابو، نه در یمن دمکراتیک، نه در الجزایر... نه در هیچ کجای دیگر، هیچگاه در محاسبه‌امیر-یالیسم هار و جهانخواز وارد نشده و نمیتواند وارد شود. تکیه‌گاه و ابزار کار امپریالیسم آمریکا «نخبگان ضدانقلابی» و قشری از جامعه است که بر کرده خلق سوار بوده‌اند و خلق انقلابی آنها را از کرسی قدرت حاکم بزرگ کشیده است.

خلق رزمنده و انقلابی ایران به رهبری امام‌خمینی، در نبرد سرنوشت‌ساز با آمریکا جنایت-کار، بر هیچ تردید به پیروزی نهائی و انتصار آفرینی دست‌خواهد یافت. خلق رزنده و انقلابی ایران در این نبرد سرنوشت‌ساز تنها نیست. تمام نیروهای بی‌توان جبهه ضدامپریالیستی جهان‌سای پشتیبان او هستند. امام‌خمینی در پیام بی‌روز خود

بزرگتر هنوز بروی صحنه نیامده است.

ولی دوران رشد و پیروزی انقلاب و مراحل عروج آن، همچنانکه نمایانگر توسعه توطئه امپریالیسم، بسرگردگر امپریالیسم آمریکا پیورده است، از سوی دیگر بیانگر این واقعیت نیز بوده است که خلق ما برهبری بسا درایت و قاطع امام‌خمینی در همه مراحل توانسته‌است سلاح مقابله با امپریالیسم را بدرستی تشخیص دهد و با این سلاح انقلاب را حفظ و تداوم بخشد. این سلاح و برآمد «وحدت کلمه» و «وحدت عمل» بوده‌است. آری، نیروی اعجاز‌آفرین وحدت همه نتواند سیطان بزرگ و همه نوکران و عمال او را بزناورد آورد و بزناو درخواهد آورد.

این «وحدت» فقط یک شعار و یا یک کلمه زیبا نیست، بلکه یک مقوله بزرگ سیاسی و اجتماعی است، که باید معنای آنرا درک کرد و به آن تا آخر و در همه اوضاع و احوال صادق بود.

وحدت کرها و وحدت برای چه؟ پاسخ روشن است: وحدت برای دفاع از انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران و حفظ جمهوری اسلامی ایران از دستبرد امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی. لذا کلیه نیروهای ضدامپریالیستی و خلقی واقعی باید در ایجاد چنین وحدتی بکوشند و در قوام‌بروادم آن‌سهم‌بیاهند. امام خمینی محور

و رهبر این وحدت‌است. همه باید چون تنی واحد بر اطراف رهبر انقلاب و بیانیگذار جمهوری اسلامی ایران متحد شوند و از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تا آخرین قطره خون خود دفاع کنند. میار صحت همه منتهای احزاب، سازمانها و گروهها و شخصیتهای مختلف، در این برهه تاریخ و در این بوته آزمایش و محک انقلاب، روشن خواهد شد.

آخر نمی‌توان نام مدافع‌منافع خلق بی‌خود گذاشت و آنوقت در حالی که امپریالیسم بر رژیم خلقی کشور ما حمله میکند، نه تنها بیطرف نشست، بلکه احیاناً با اعمال نادرست خود آب‌درآسیاب امپریالیسم ریخت. نمی‌توان در این کارزار بزرگ خلق در سنگر امپریالیسم ریخت. نمی‌توان در این خلق قرار نگرفت و فریاد تاریخ را، که همه فرزندان صدیق خلق را به هوشیاری و فداکاری و ایثار و قاطعیت انقلابی فرا میخواند، در میان زیر و بم تصورات نادرست خود ناشنیده گذاشت. آری، یک انقلابی واقعی و یک مبارز راستین باید آن قدرت معنوی و عظمت روحی را داشته باشد که بر نفس خود چیره شود، و اگر تا امروز راه کج رفته است، از آن برگردد و روی در سرالاستقیم خرد انسانی بگذارد.

یکجکیده تاریخ انقلابی ایران، در نبردی که امروز ما را با امپریالیسم خونخوار آمریکا روبرو ساخته است، خلاصه می‌شود. آنانکه تواریخ گذشته را

## تظاهرات عظیم...

پته از صفحه ۱

می‌زد. بی در می این شمار آسان را بلرزه مرانداخت:

هرگز بر آمریکا... در ابتدای مراسم، پیام امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی پخش شد و سپس آقای محمد علی رجایی نخست‌وزیر سخنرانی کرد.

پس از سخنان نخست‌وزیر، پیام دکتر ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور قرائت شد، سپس آقای علی‌اکبر پرورش نماینده مجلس شورای اسلامی ایران سخن سخنانی از جمله گفت:

دشمن بعد از انقلاب با حملات سه‌گانه اش کوشیده‌است گردانها و گردیدهای تند ایجاد کند و این ملت را یکدم خود بکشد. هر لحنه یکی از انواع حملاتش را آزمایش می‌کند و هم‌اکنون در آستانه سال تحصیلی جدید، دشمن با تمام نیرو، یکی از انواع حملات ۳ گانه خود را آغاز کرده است. حمله نظامی در مرزهای ایران و عراق، حمله نظامی با توجه به کودتای آمریکائی ترکیه برای درحصار قراردادن ملت انقلابی ما، و جرایم و در نتیجه به‌خیال اینکه ملت عزیز را به انزوا بکشاند، هم‌ها با این حملات سه‌گانه، حملات فرهنگی نیز از طریق مدارس، از طریق پایگاههای علم و دانش و فرهنگ درصدد است اغتر کند.

علی‌اکبر پرورش در جای دیگری گفت: مستون فقرات یک ملت آنگاه می‌شکند که ناخودآگاه به کام

میدانند و برخی به فلان‌مجلسید جمال‌الدین اسدآبادی اعتراض میکنند و برخی جمهوریهای احسان‌اله خان را مورد انتقاد قرار میدهند و همدایند نام‌گاریا و غفلت‌های دوران مصدق را بیاد نکوشن میگیرند. امروز خود در معرض چنان‌سوالی قرار گرفته‌اند که هرگز با این قاطعیت دتاریخ ایران مطرح نبوده است: آیا مبارزان امروز قایت خواهند کرد که از تاریخ، نه فقط آه کشیدن بعد از شکست، بلکه تشخیص راه پیروزی از چاه شکست راه یاد گرفته‌اند؟ آیا مبارزان امروز ایران گمراه‌های ادوار گذشته را تکرار خواهند کرد و این انقلاب را تا کامی کشیده خواهند شد و یا با تهاجم و لیاقت کامل از تاریخ خلق خود و محملتهای جهان خواهند آموخت و انقلاب خلق خود و جمهوری اسلامی خود را حفظ خواهند کرد؟

آری، ما در مقابل آزمایشی سه‌گانه قرار گرفته‌ایم. باید جبهه متحد و منسجم و مجهز و مسلح همه نیروهای صدیق و ژاپر رهبری امام خمینی، در برابر جبهه متحد امپریالیسم آمریکا و همه متحان و دستیاران و نوکران داخلی و خارجی او قرار دهیم. ایست آن بهترین وظیفه‌ای که امروز در برابر نسل انقلابی ما قرار دارد و یگانه مبنای قضاوت تاریخ آینده درباره عملکرد نسل امروز خواهد بود.

این گردان‌های سیاسی واجتاه، که دشمن با حملات نظامی و سیاسی و فرهنگی ایجاد می‌کند، یقیناً مواظب باشند قوام ما، قیام ما، هیئت بستگی دارد که سر کیم حملات سیاسی، نظامی و فرهنگی دشمن را دفع نماید و اصلاً از ایجاد چنین گردان‌های سیاسی جلوگیری کنیم. و اگر او موفق شده است و چنین تبدیلهائی را ایجاد کرده است، ازین پیرم و حتمالوفا باشم به‌کام این گردان‌ها یقیناً

در پایان قلمنامه کرده‌ام آتی قرائت شد. در قلمنامه از جمله آمده است:

ما می‌توانیم با تمام قدرت در مقابل خطرات خارج‌برایستی و مقابله کنیم. از محاصره اقتصادی و بلوکه کردن پولهای ما در خارج گرفته تا ساختن جو تبلیغاتی و سیاسی از مجرای ارگانه‌های تبلیغاتی صیونستی و همچنین از تهاجم نظامی آمریکا در پس افیانوس هند گرفته تا جنگ عراق و همکاری ارتش وابسته مصر با عراق بر علیه ایران و حتی کثیف‌ترین طرحی که شاه‌عاج نتوانی آنها نیز می‌باشد، یعنی بهره‌انماختن جریانی به منظور اینکه اسلام ایران و اسلام خمینی، اسلام نیست، بلکه کفر است، آنچه مخزهای مزدورملک حسن در آن کنترانس آمریکائی گفتند...

بکوشیم تا با تشکل خود در سراسر کشور مشت محکمی گردیم علیه امپریالیسم و عمال داخلی‌اش.

## گشایش کنگره انجمن هنرمندان افغانستان

با پیام بزرگ کارمل، رهبر افغانستان، کنگره انجمن هنرمندان افغانستان در کابل با شرکت صدها نقاش، کارگردان سینما و خاتره هریشه و غیره، کار خود را آغاز کرد. بزرگ کارمل در پیام خود، ضمن تاکید بر اهمیت کنگره، گفت: «هنر نوخ هنر باید به بالا بردن اعتبار افغانستان و گسترش همکاری با نیروهای صلح و رفرف در جهان کمک کند». کارمل یادآور شد: «هنر باید روشهای ماندنی برای پیشرفت کشور کثیرالمله افغانستان فراهم کند و روح صمیم‌پرستی و از خودگفتنگی در میان خلق را غنا بخشد».

# اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان درباره پاکسازی در آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی

«بچه» کاندیداتوری حزب توده ایران مورد پاکسازی قرار دادند. اگر جوی را که این پاکسازی معمولاً و در مواردی مفرطانه می‌تواند هنگام بازگشت مدارس بوجود آورد، در نظر آوریم در صورت می‌توانیم ابعاد خطرناک آن را برای انقلاب تصور شد.

این پاکسازی، با این کیفیت، در منطقه‌ای از شدت و حدت بیشتری برخوردار است، که می‌تواند به یکی از کانونهای تشنج در ایران تبدیل گردد. منطقه‌ای که در آن به اصطلاح حزب خلق سلمان، مترسد حادثه آفرینی است و آمریکا در همسایگی با این خطه به کودتای خود در ترکیه دست زده است، تا حلقه محاصره علیه انقلاب ایران را تنگتر نماید.

مگر هتداهای بی دردی مقامات مسئول، از جمله امام جمعه تهران تحت‌الاسلام خامنه‌ای، در مورد بازگشت مدارس کافی نیست که ابعاد وسیع توطئه دشمنان را روشن سازد؟

اخراج آموزگاران و دبیران فقط و فقط بخاطر «فیراسلامی» بودن، یا اتهامات راهی دیگر، آیا به ایجاد تشنج و درگیری و تفرقه و بدبینی بین نیروها کمک نمی‌کند، که خواست دیرین ضدانقلاب است؟ برای تصفیه ادارات فقط یک معیار واقعی وجود دارد، آنهم وفاداری به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

اخراج مسلمین وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از آموزش و پرورش بعنوان «توده‌ای» یا «بچه» مورد اعتراض شدید همه نیروهای ترقی‌خواه و انقلابی است.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان سازمان حزب توده ایران در آذربایجان با احساس مسئولیت انقلابی، ضمن محکوم کردن اینگونه افعال نادرست تمام اعضاء و هواداران خود را فرا می‌خواند تا در آستانه بازگشت مدارس با هوشیاری هرچه تمامتر، از اقدامات و تصمیمات ضدانقلاب بکوتند و اجازه ندهند که ضدانقلاب با استفاده از یکسری تصمیمات شتابزده و ناسنجیده به نیت شوم خود نایل آید.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان ۵۹۱۶۳۵

یکی از عمده‌ترین وظایف انقلاب شکوهمند خلقی ایران تصفیه عناصر وابسته به امپریالیسم ضدانقلابی و ساواکیهای مزدور است، که می‌بایست در همان روزهای اول انقلاب با اصول صحیح و منطقی انجام می‌پذیرفت. متأسفانه با کج‌اندیشی و سازشکاری دولت سوقت و صوابین گوناگون از جمله استفاده از تخصص و تجربه، این مسم یا انجمن‌نگرفت و یا اگر دیارهای از ادارات تحقق یافت، بسیاری سطحی و ناصح بود.

بعد از شکست سیاست «گام بگام دولت بازرگان» و افتش ماهیت لیبرالیسم، تصفیه ادارات و کارخانه‌ها از سر گرفته شد، که این روزها در آموزش و پرورش آذربایجان شرقی در جریان است.

توجه جدی به کیفیت این پاکسازی و شرایط مکانی و زمانی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پاکسازی در شرایطی انجام می‌پذیرد که امپریالیسم آمریکا، رهبری کارتر جنایتکار، طبق اقدار خود در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران است و تا انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا می‌خواهد قصد شوم خود را به مرحله اجرا بگذارد. یکی از حلقه‌های این توطئه، ایجاد تشنج و به آشوب کشیدن مدارس است، که بهترین شرایط را برای بهره‌برداری ضدانقلاب از این جو آشوب را مهیا می‌کند. لذا ضدانقلاب بدست عناصر مرث و فاجرین خود در صدد است که با بازگشت مدارس، جو تشنج لازم برای مقصد خود را بوجود آورد.

کیفیت پاکسازی در آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی طوریست که ناآگاهانه و ناخواسته می‌تواند در جهت هدفهای فوق‌الذکر امپریالیسم آمریکا عمل نماید، زیرا:

اولاً علاوه بر پاکسازی عناصر ضدانقلاب، که کاریست درخور انقلاب، عناصر دیگری هم پاکسازی شده‌اند که محور و معیار پاکسازی آنها، نه بر اساس صفت آنها با انقلاب، بلکه به علت داشتن عقاید «فیراسلامی» است. و این نقض نص صریح قانون اساسی است، که تشریح تالیف در آن سکون است.

ثانیاً این پاکسازی در مواردی جنبه انتقامجویی بخود گرفته و برخی از افرادی که بازگشته نیز شده‌اند، صرفاً بخاطر «بچه» بالا یا

## این خبر را بخوانید! به قسمت شوخی اش بخندید به قسمت جدی اش بیاندیشید

خبری در جراید فرانسوی، بویژه مطبوعات جنجالی آنها درج شده که بخش بزرگ‌تر از آن خنده‌دار می‌نماید، ولی دارای قسمت جدی و قابل توجهی نیز هست.

خبر می‌آورد که از تشکیل جلسه سران عالی‌رتبه، مخالفان رژیم جمهوری اسلامی ایران در پاریس، مرکب از لودوین ژانیه، هوشنگ لاهوتی، ارتشید اویسی، شاپور بختیار، نژی و بن‌ساحد و داروسته آنها: آتش هفت‌مخ‌چوشی از هرچه ضدخلقی و ضدایرانی است، تله‌فلم‌سازی از هرچه ضدانقلابی و سرسپرد آمریکاست.

ولی آقایان، طی چهار روزی که در پایتخت فرانسه، در اتاقهای مختلف یک خانه گرد آمدند، توانستند باهم حتی در یک جلسه ملاقات کنند و یادها از این اتاق به آن اتاق متن «تصحیحات» و طرح‌ها را می‌بردند و می‌آوردند و به تصویب سران عالی‌رتبه، می‌رساندند.

خنده‌دارش، تصور همین ویلای مجلل واقع در محله ۱۶ پاریس و بخشهای باواسطه و کارگزار و قیافه‌های بظاهر جدی پادروایت که درباره چگونگی به سلطنت رساندن رضای دوم (!) یا بقول جسراید فرانسوی، «رضا سروس» توی سر و کله یکدیگر می‌زدند، گویا چهار طرف بالاخره موافقت فرمودند که سلطنت مستقر شود و رضای نامبرده هم شاه باشد؛ مانده بود چگونگی انجام این عمل و با اصطلاح جاودانی عیبه بستن زنگوله بگردن کریمه، که تا آخر هم توافق نشد، بالاخره چه وقت رژیم جمهوری اسلامی ایران سرنگون شود؛ قبل از تاریخ فلان یا بعد از تاریخ فلان!

اما هست جدی خبر دوستانه، و هر دو قابل توجه.

اولاً ادامه توطئه‌های ضدانقلابی و هزیمان کردن و تطبیق ثلاثیهای فراریان ضدانقلابی از بختیار، با سوسیالیست‌های آمریکائی و قیافه مضحک‌دهنده نمایانته‌اش، تا اویسی با جلافتنی مشهور و سرسپردگی خونخوارانه‌اش نسبت به آمریکا، دویای ضدانقلاب در خارج، که با بازها از آن صحبت کرده‌ایم، و یکی از مرادوی ایران! و دیگری از صدای آزاد ایران! ملین شوم خود را مرتباً در فضای مبین ما میکترانند اینک میکوشند با تاروب و توازن (!) بفرمان واحد سیاست آمریکا به حرکت درآیند.

پس بر ماست که با هشاری دائمی نسبت به خطر جدی توطئه‌های شیطان بزرگ، کاری کنیم که هرگز این طاغوت‌چینه‌های مضحک و عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی نتوانند هیچ فلفلی بکنند.

ثانیاً جلسه مزبور، ماه پیش، از سمنه تا جمعه، یعنی بعدت چهار روز، در محله ۱۶ پاریس، و به تصریح مطبوعات، در زیر حمایت و پوشش حفاظتی پلیس فرانسه تشکیل شد (علاوه بر ده‌های گاردها (!) یا محافظین شخصی مزدور). این یک مسئله جدی است و در پیوند با آن، سؤالات زیر مطرح میشود:

- ۱- وزارتخانه آقای قلبزاده آیا به این خبر توجه کرده‌است؟
- ۲- آیا همه ملت می‌کند که جلسه سران عالی‌رتبه مخالفان دولت ایران در زیر حمایت و پوشش پلیس فرانسه تشکیل شود یا نه؟
- ۳- آیا لازم شده است یا نه، که بدولت فرانسه اعتراض کند که پلیس خود را محافظ جلسه چهارروزه ضدانقلابیون ایرانی (!) قرار دادند مگر نه این است که این عناصر، که ملنا و رسا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران و استقرار سلطنت (!) را هدف خود اعلام کرده‌اند، علیه دولتی که با دولت فرانسه رابطه‌های دارد، رسا و ملنا توطئه میکنند؟
- ۴- اگر بدولت فرانسه اعتراض ندارد، می‌تواند مردم ایران توضیح دهد که: چرا روش دولت فرانسه و حمایت او از ضدانقلابیون را عادی می‌شمارد؟
- ۵- بالاخره چرا دمورد استرداد این جنایتکاران و ضدانقلابی‌های فراری، که در سرزمین فرانسه پناهانده بر آزاره نیستند، بلکه سرمدساران توطئه‌های براندازی خونین هستند، اقدامی نکرده است؟

## کشایش پارلمان جهانی ملتها در راه صلح در بلغارستان

پارلمان جهانی ملتها در راه صلح، در صوفیه پایتخت بلغارستان، با شرکت نمایندگان بیش از صد کشور جهان تشکیل شد. وظیفه این اجلاس، افزایش تلاش برای پیچ ملتها در راه صلح و گسترش تشنج‌زایی است.

روشن جاننده، رئیس شورای جهانی صلح، در ارتباط با اجلاس صوفیه گفت:

«اجلاس صوفیه، یکی از اقدامات مهم سی سال اخیر در راه صلح است. وی افزود:

«نمایندگان احزاب سیاسی ترقی‌خواه، گروههای مذهبی و جنبش‌های رهنمائی ملی، جوانان و اتحادیه‌های کارگری، در اجلاس شرکت دارند. بدینسان پارلمان جهانی نماینده واقعی جنبش در راه صلح است.»

روشن جاننده، تأکید کرد:

«موقف ساختن مسایله تسلیحاتی و از میان بردن خطر جنگ، شرکت‌کنندگان در صوفیه راه، که دارای عقاید مختلفی هستند، گرد یکدیگر جمع کرده است، زیرا امپریالیستها تلاش دارند دوره جدید مسایله تسلیحاتی را آغاز کنند و دو اقدام خطرناک محافل امپریالیستی، یعنی استقرار موشکهای جدید در اروپای غربی و استراتژی جنگ هسته‌ای محدود، که از طرف کارتر اعلام شده، پیش از پیش اوضاع جهانی را متشنج ساخته است.»

روشن جاننده، به کارآئی هستکی بین‌المللی یا مبارزه خلقها و بویژه هستکی با مبارزه مردم ویتنام و آنکولا در گذشته، اشاره کرد و گفت:

«تاکنون هفتصد میلیون تن از مردم جهان، پیام شورای جهانی صلح را در خلق صلح افضاء کرده‌اند.»

## رهبر افغانستان باردیگر آمادگی خود را برای مذاکره با همسایگان اعلام کرد

پیرک کارمل رهبر افغانستان، در نظری که از رادیو کابل پخش شد، باردیگر آمادگی این کشور را برای حل و فصل مسائل با همسایگان افغانستان از طریق مذاکرات صلح اعلام کرد.

رهبر افغانستان، تأکید کرد که حاضر است با همسایگان افغانستان درباره همه مسائل که پیرامون افغانستان بوجود آمده است، از جمله خروج محدود نیروهای اتحاد شوروی، باز کشور، گفتگو کند.

کارمل گفت که بعضی آنکه تجاوز خارجی علیه افغانستان قطع شود، نیروهای محدود اتحاد شوروی از افغانستان خارج خواهند شد.

از طرفی روزنامه هندی «پاتریوت» اعلام کرد که سازمان جاسوسی «سیا» استفاده از با اصطلاح بازرگانان و روزنامه‌نگاران را برای خرابکاری علیه انقلاب افغانستان، افزایش داده است.

«پاتریوت» می‌نویسد: «در ماههای اخیر گروههای زیادی بعنوان «روزنامه‌نگار» و «بازرگان» افغانستان وارد شده‌اند. این عده مأموریت داشته‌اند که بیخ سازمان «سیا» جاسوسی و خرابکاری کنند»

بنوشته این روزنامه، این گروهها یکی از منابع پخش اراجیف درباره افغانستان هستند، حتی روزنامه هراالدترین نوشته است که بر سرورترین و بر اعزازترین گزارشهای مربوط به افغانستان، داستان‌هایی است که از قول این «منابع» پخش میشود.

## مذاکرات لئونید بر ژنف، رهبر اتحاد شوروی با وزیر نیروهای مسلح کوبا

لئونید بر ژنف، رهبر اتحاد شوروی، با راتول کاسترو، وزیر نیروهای مسلح کوبا، در مسکو، درباره مسائل مختلف جهانی، مذاکراتی انجام داد. در این مذاکرات، روابط دو کشور نیز مورد بررسی قرار گرفت.



## بیکاری و حشناک در کشورهای بازار مشترک

بیکاری در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری همچنان رو به افزایش است. بوجوب آخرین آمار کمیسیون بازار مشترک، شمار بیکاران در کشورهای عضو این بازار به شش میلیون و هشتصد هزار تن رسیده است، که یک حدصاب جدید محسوب میشود. از سوی دیگر زحمتکشان بازار مشترک، علاوه بر بیکاری با بلای تورم نیز دربرو شده‌اند.

## روزنامه ارگان حزب متحد کارگری لهستان نوشت: وحدت مابالاتر از هر چیز دیگر، بمعنای وحدت ایدئولوژیک است

روزنامه تریبونالودو، ارگان مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، در سرمقاله خود تأکید می‌کند که در مقابله با مسائل کنونی و فائق آمدن بر نقطه ضعف در کار حزبی، لازم است، حزب متحد کارگری راه که ممکن‌کننده اصول اساسی لینی یک حزب کمونیست است، بحساب آورد.

این روزنامه می‌نویسد: «وحدت ما بالاتر از هر چیز دیگر، بمعنی وحدت ایدئولوژیک است. و این بیان معنی است که در صفوف حزب باید درباره اصول عمده ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم اتفاق نظر وجود داشته باشد. این امر همچنین درباره درک درست جوهر مبین‌پرستی و سوسیالیزم در ارتباط تنگاتنگ با آرمان سوسیالیستی صدق می‌کند.»

تریبونالودو می‌افزاید: «بویژه و مشکلات، افراد را در محک آزمایش قرار داد و دقیقاً در این شرایط است که باید وفاداری حزبی را به معرض نقاشی گذاشت.»

بسیاری از اعضای حزب دقیقاً امروزه چنین رفتاری دارند و درباره کسانی که نتوانسته‌اند از یوه آزمایش رویدادهای اخیر سر بلند بیرون آیند، پایهای متضیبات اوضاع جلو بروند، گمانیکه بر سر مسائل اصولی موضعی غیر حزبی گرفته‌اند، باید گفت این عده به حزب تعلق ندارند. عضویت در حزب منحصراً کارگری لهستان نیز مندر تفریف و تشریح روشن از منی سیاسی و ایدئولوژیک است. در این مورد اسلنامه حزب بسیار روشن است. آنچه که مطرح است این است که، موازین حزبی باید بوسیله همه و در همه اوقات و بوسیله هر عضو حزب، بدون توجه به موقعیتی، اجرا شود. در حال حاضر این مسئله در دستور روز قرار دارد که صفوف حزب از افرادی که علاوه خود را از دست داده‌اند و به وسوسه یک زندگی آسان تسلیم شده‌اند و یا در گرداب فساد دست و پا می‌زنند، پاک شود.

پرخلاف انتهای دشمنان ما، چنین افرادی در صفوف حزب ما انگشت‌نشانند. اما با این همه، آنها می‌توانند اعضاء شریف و اصولی حزب متحد کارگری را بدنام کنند. حزب باید خود را از شر افرادی که تم یک آنرا آلوده می‌کنند و اطمینان به حزب را خدشه‌دار می‌سازند، رها کند. تصفیه این افراد باید بر طبق اسلنامه حزب صورت بگیرد. لازم است با هر نوع تلاش برای بدنام کردن افراد صدیق حزبی و دولتی مبارزه شود و در همان حال قطعاته یا افراد خفاکله مقابله بعمل آید و هیچگونه امتیاز به این قبیل افراد داده نشود.

**نقشه مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دکتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست  
**NAMEH MARDOM**  
No. 340  
24 September 1980  
Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

**برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود**  
**کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است**  
دعوت‌شدگان در جشن همروسی ملیز شلمه‌روین ۱۲۰۸۷۰ ریال  
علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام «مردم» شماره حساب ۳۳۳۲ شعبه ۱۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، شبانان شهید دکتر حسین قطبی بپردازند.